https://doi.org/10.22067/jgrd.2023.50633.0
مقالهٔ پژوهشی-مطالعهٔ موردی

مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ ناحیه‌ای، سال بیست و یکم، شمارهٔ ۲، تابستان ۱٤۰۲، شمارهٔ پیاپی ٤۳

گونه‌شناسی و صورت‌بندی شکاف‌های اجتماعی در شهرستان ممسنی

حمدلله سجاسی قیداری (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)
ssojasi@um.ac.ir
سید هادی زرقانی (دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)
h-zarghani@um.ac.ir
سید محمد حسین حسینی (دکتری روابط بین الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران)
mh.hossein25@yahoo.com
وحید صادقی (دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)
va.sadeghi@mail.um.ac.ir

صص ٦٦ ـ ۲۷

چکیده

شکاف اجتماعی، معیار و شاخص تقسیم اعضای جامعه و زیرمجموعه آن به گروه-های مختلف در بازه‌های زمانی و فضایی متفاوت است. شکاف اجتماعی در جوامع مختلف می‌تواند در اَشکال و انواع متفاوتی پدیدار شود و صورت‌بندی خاصی را در بطن یک جامعه خلق کند. در شهرستان ممسنی، به دلیل ساخت ایلی/عشیره‌ای برخی از تعارضات فعال یا منفعل به صورت تصادفی یا ساختاری شکل گرفته است. این تعارضات موجب تکوین شکاف‌های اجتماعی در بخش‌های مختلف شهرستان شده و پیامدهایی را به همراه داشته است؛ ازاین‌رو این سؤال مطرح است که کلیدی‌ترین شکاف‌های اجتماعی در شهرستان ممسنی کدام‌اند؟ گونه‌شناسی و صورت‌بندی شکاف‌های اجتماعی در این فضای جغرافیایی چگونه است؟ بنابراین هدف پژوهش حاضر شناسایی و تبیین انواع شکاف‌های اجتماعی در شهرستان ممسنی و به لحاظ

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۰۲ تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۱۱/۱۵

ماهیت و روش نیز پژوهش از نوعِ توصیفی-تحلیلی بود. گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای، اسنادی و مشاهدات میدانی انجام گرفت. همچنین شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت کمی و کیفی بود. نتایج پژوهش نشان داد که شکاف‌های جنسیتی، نسلی، قومی، طبقاتی، سنت و مدرنیته، گروه‌های ذی‌نفوذ و نیروهای اجتماعی بر دو شکاف اصلی طایفه‌ای و جغرافیایی بار شده و جامعه دوشکافی متراکم را در شهرستان ممسنی خلق کرده‌اند؛ بر این اساس، شکاف‌های طایفه‌ای و جغرافیایی را می‌توان زیربنایی‌ترین و نیرومندترین شکاف‌های موجود در شهرستان ممسنی به شمار آورد که همواره بر تحولات اجتماعی و سیاسی آن تأثیرگذار بوده‌اند. سایر شکاف‌های اجتماعی نیز در کنار این دو شکاف وجود دارند و آن‌ها را متراکم کرده‌اند؛ به‌طوری‌که سایر عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از آن متأثر شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: شکاف اجتماعی، جامعه دو شکافی متراکم، گونه‌شناسی و صورت‌بندی شکاف‌ها و شهرستان مَمَسَنی.

۱. مقدمه

وحدت و انسجام اجتماعی یکی از پایه‌های اساسی برای نیل به اهداف توسعه، به‌ویژه توسعه اجتماعی است، اما در برخی از مواقع تعارضات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رخصت شکل‌گیری انسجام و اتحاد اجتماعی را نمی‌دهد و به خلق شکاف‌های اجتماعی و درنتیجه توسعه‌نیافتگی منجر می‌شود. همه جوامع دچار شکاف‌هایی هستند و تنها در میزان تنش‌زدگی و پایداری با یکدیگر تفاوت دارند (نوریس و کدی،۱۳۸۸، ص. ۱۸). شکاف‌های اجتماعی بیانگر معیارهایی هستند که اعضای جامعه را به گروه‌های مختلف تقسیم می‌کنند. این معیارها می‌توانند تاریخی، فرهنگی، مذهبی، اقتصادی، جغرافیایی، سیاسی و غیره باشند (خلیلی، ۱۳۹٤، ص. ۵۰). شکاف‌های اجتماعی در تنوعات تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی ریشه دارند و برحسب عوامل گوناگون از جامعه به جامعه‌ای دیگر متفاوت‌اند (شجاع‌احمدوند، ۱۳۸۹، ص. ۳)؛ بر این پایه، شکاف‌های اجتماعی در بازه‌های زمانی متفاوت و در فضاهای جغرافیایی

مختلف، سیاست‌زده شده‌اند و این شکاف‌ها معمولاً به صورت مشابه برجسته‌اند (استول[1]، ۲۰۰۸، ص. ۱٤٤٥). تقویت شکاف‌های اجتماعی، قطب‌بندی سیاسی را در جامعه تشدید می‌کند و به کاهش فضای لازم برای تغییرات ناگهانی درخصوص انتخاب‌های مختلف منجر می‌شود (گوسلین و توکا[2]، ۲۰۰۸، ص. ۱)؛ بنابراین شکاف اجتماعی یکی از مهم‌ترین مفاهیمی است که در سطوح خرد و کلان می‌تواند کوچک‌ترین تا بزرگ‌ترین مسائل اجتماعی و سیاسی را تحت‌تأثیر قرار دهد.

در شهرستان ممسنی، شکاف‌های اجتماعی بیش از آنکه محصولِ عوامل بیرونی باشند، برآمده از تحولات و وقایع درونی‌اند. هرچند نمی‌توان نقش مسائل کلان (مقیاس ملی) را در سطح خرد (فروملی) نادیده انگاشت، مؤلفه‌ها و شرایط درونی ممسنی بیشتر بر احداث شکاف‌ها تأثیرگذار بوده‌اند؛ بر این بنیاد، می‌توان از ساخت ایلی/عشیره‌ای به‌عنوان نخستین و قوی‌ترین مُحرکهٔ ساخت تضادها و به‌تبع آن شکاف اجتماعی سخن به میان آورد. در این ساختار که هریک از طوایف قلمرو زیستی و جغرافیایی مشخصی دارند، زمینه تنش و تعارض میان آن‌ها در بستر تاریخی و اجتماعی فراهم بوده است؛ ازاین‌رو شکاف‌های طایفه‌ای و جغرافیایی را می‌توان زیربنایی‌ترین و نیرومندترین شکاف‌های موجود در شهرستان ممسنی به شمار آورد که همواره بر تحولات اجتماعی و سیاسی آن تأثیر می‌گذارند؛ با وجود این، سایر شکاف‌های اجتماعی نیز در کنار این دو شکاف وجود دارند و آن‌ها را متراکم می‌کنند. در این چارچوب می‌توان به شکاف‌های جنسیتی و طبقاتی اشاره کرد که به صورت ساختاری و پایدار در بستر اجتماعِ ممسنی وجود داشته‌اند و در طول زمان استمرار یافته‌اند؛ این در حالی است که شکاف‌های قومی، نسلی، سنت و مدرنیته، گروه‌های ذی‌نفوذ و نیروهای اجتماعی در نتیجه تحول یا اتفاقی ویژه به صورت تصادفی خلق شده‌اند. هریک از این شکاف‌ها به صورت عینی، ذهنی یا ساختاری (پیوند عین و ذهن) در شهرستان ممسنی وجود دارند؛ با این تفاوت که برخی از آن‌ها فعال و برخی دیگر مُنفعل هستند. این شکاف‌ها نیز بسان شکاف‌های

1. Stoll
2. Gosselin & Toka

اصلی می‌توانند پیامدهایی در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به همراه داشته باشند.

باید اذعان کرد که کشف و شناسایی این شکاف‌ها در مطالعه ژرف نگارندگان درباره ادبیات پژوهش و مسائل محلی و اجتماعی شهرستان ممسنی ریشه دارد. این شکاف‌ها می‌توانند مانعی برای همگرایی اجتماعی ساکنان ممسنی تلقی شده و در عرصه‌های جغرافیایی، اقتصادی و سیاسی نیز هویدا شوند. در این زمینه می‌توان به توزیع نامتوازن سرمایه و بودجه در فضای جغرافیایی ممسنی اشاره کرد که به رشد و شکوفایی برخی قلمروها و درجازدگی سایر مناطق منجر شده است؛ اضافه بر این، ضعف وجود فرصت شغلی در بخش خدمات دولتی، کشاورزی سنتی و نادیده انگاشتن رونق صنعت به‌منزله ضعف طبقه متوسط و ایجاد شکاف میان فقیر و غنی است. از سوی دیگر، رقابت‌های نفس‌گیر فعالان سیاسی و توده مردم در کارزار انتخابات در ارزش‌ها و هنجارهای عشیره‌ای ریشه دارد که به تقابل و تنش میان طوایف منجر می‌شود؛ بر این شالوده، تلاش برای فهم دلایل و علل شکل‌گیری چنین شکاف‌های در ساختار ایلی/عشیره‌ای ممسنی ضروری و بایسته به نظر می‌رسد؛ زیرا به فهم و درک نخبگان و کارگزاران درباره تعارضات زیربنایی و ارائه راهبرد برای حل‌وفصل آن‌ها منجر خواهد شد؛ بر این اساس هدف پژوهش پیش‌رو، بیان حلقه‌های مفقوده در زمینه توسعه فرهنگی و اجتماعی شهرستان ممسنی است؛ زیرا یکی از مبانی و شالوده‌های ماهوی و کیفی توسعه، شکاف‌های اجتماعی و نوع صورت‌بندی آن‌ها به شمار می‌رود؛ یعنی در صورت وجود چندین شکاف، تشخیص اصلی یا فرعی بودن آن‌ها و پیوندشان با یکدیگر می‌تواند بر پیشبرد توسعه فضای جغرافیایی ممسنی تأثیرگذار باشد. با توجه به اینکه شکاف‌ها می‌توانند در اَشکال مختلف عیان شوند، این سؤال مطرح می‌شود که کلیدی‌ترین شکاف‌های اجتماعی در شهرستان ممسنی کدام‌اند؟ گونه‌شناسی و صورت‌بندی شکاف‌های اجتماعی در این شهرستان چگونه است؟

۲. روش‌شناسی تحقیق

تاکنون پژوهش‌های زیادی درمورد شکاف اجتماعی و گونه‌شناسی آن انجام شده‌اند، اما همان‌طورکه داده‌ها و شواهد نشان می‌دهند، این نوشتارها در قامت ادبیات پژوهش، عمدتاً به سطح کلان و ملی معطوف بوده‌اند؛ به‌عبارتی، تمرکزِ شکاف اجتماعی و انواع آن غالباً عطف به مقیاس ملی و فراملی بوده و به‌ندرت در سطوح جغرافیایی محلی، ناحیه‌ای و منطقه‌ای (شهرستان) کاربرد داشته است. تقلیل و تطبیق چنین مفاهیم و الگوهایی در سطوح فروملی و محلی به دلیل نیاز به مطالعات میدانی دقیق، دارای پیچیدگی و خلاقیت‌های خاص است. این مسئله به‌خصوص درمورد فضاهای جغرافیایی که از تنوع قومی و طایفه‌ای خاصی برخوردارند، مدنظر پژوهشگران و اندیشمندان قرار نگرفته است؛ بنابراین در این مطالعه تلاش شده است برای اولین بار این مسئله را در ناحیه جغرافیایی فروملی (شهرستانی) کشف و تبیین شود.

پژوهش حاضر از نظر هدف، دووجهی یعنی از نوع بنیادی و کاربردی است؛ با وجود این، وجه غالب آن را می‌توان بنیادی در نظر گرفت. به لحاظ ماهیت و روش نیز پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است که درپیِ تبیین شکاف‌های اجتماعی در شهرستان مَمَسَنی است. گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای، اسنادی و مشاهدات میدانی است. همچنین برای شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت کیفی وکمی با استفاده از روش تحلیل آماری امتیاز استاندارد بهره‌گیری شده است.

۳. مبانی نظری تحقیق

۳. ۱. شکاف اجتماعی، مفاهیم، ابعاد و نظریه‌ها

مفهوم شکاف[1] عموماً برای اشاره به آن دست از تمایزات و تفاوت‌های پایداری استفاده شده که در جریان مبارزات انتخاباتی و رفتار رأی دادن مشاهده شده است (منزا و بروکز[2]،۱۹۹۹، ص. ۳۱).

1. Cleavage or Gap
2. Manza & Brooks

شکاف اجتماعی[1]، معیار و شاخص تقسیم اعضای جامعه و زیرمجموعه آن به گروه‌های مختلف در بازه‌های زمانی و فضایی متفاوت است (چو[2]،۲۰۰۲، ص. ٤). یکی از نخستین تلاش‌ها برای استفاده تحلیلی از مفهوم شکاف‌های اجتماعی، بدون استفاده از این تعبیر، در کارهای اولیه لازارسفلد و همکارانش[3] در دانشگاه کلمبیا نهفته است. آن‌ها درواقع از شکاف‌ها و تعارضات مذهبی (کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها)، منطقه‌ای (شهر و روستا) و طبقاتی (طبقات بالا و پایین) برای توضیح رفتار انتخاباتی بهره گرفتند. پس از کارهای مکتب کلمبیا در پژوهش‌های کمپبل[4]، کانورس[5]، مینر[6] و استوکز[7] در دانشگاه میشیگان نیز نوعی شکاف و تعارض مطرح شد، اما شاید مهم‌ترین و دقیق‌ترین کاربرد مفهوم شکاف را بتوان در کارهای لیپست[8] جستجو کرد. لیپست به همراه روکان[9] شکاف‌های اجتماعی را بازده تحولات تاریخی مستمری می‌داند که از دو انقلاب همزاد یعنی انقلاب صنعتی و انقلاب‌های ملی در اروپا ناشی شده است (بشیریه و قاضیان، ۱۳۸۰، ص. ٥٦). بارتولینی و مایر معتقدند که هر شکاف اجتماعی که قادر به شکل دادن به رفتار سیاسی باشد، به‌طور همزمان در سه سطح حضور دارد: الف. سطح اول، تجربی: مؤلفه‌های این سطح در ساختار اجتماعی ریشه دارد؛ به دلیل آنکه ساخت اجتماعی به آرامی تغییر می‌کند و شکاف‌های اجتماعی نیز در صورت ثبات ساخت اجتماعی بادوام خواهند بود. تقسیمات درون‌ساختی اجتماعی باعث ایجاد گروه‌هایی از مردم می‌شود که منافع و منزلت‌های مشترک دارند؛ ب. سطح دوم، هنجاری: مؤلفه‌های آن در شکل صورت‌های ستیزآمیز آگاهی بروز می‌کند. در این سطح گروه‌های اجتماعی از زمینه-های یک شکاف برای ساخت و پرداخت یک منازعهٔ آگاهی استفاده می‌کنند. هویت‌یابی گروهی شرط لازم برای تبدیل تقسیمات ساخت اجتماعی به شکاف اجتماعی است. بدون

1. Social Cleavage
2. Choe
3. Lazarsfeld
4. Campbell
5. Converse
6. Miner
7. Stokes
8. Lipset
9. Rokkan

تشخیص قلمروهای گروهی، نابرابری‌هـای اجتمـاعی، فرصـت و مجـال ظهـور در منازعـات سیاسی یعنی در سطح نهادی و سازمانی را نخواهد داشـت؛ ج. سـطح سـوم، کلـان و نهـادی: مؤلفه‌های این سطح به صورت تعاملات افراد، نهادها و سـازمان‌هـایی نظیـر احـزاب سیاسـی مُتجلی می‌شوند. مؤلفه‌های این بخش برحسب میزان و نوع نظام سیاسی هـر جامعـه متفـاوت خواهد بود (دهقان و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ٦٤) (جدول ۱).

جدول ۱. انواع شکاف‌های اجتماعی شکل‌دهنده رفتارهای سیاسی

مأخذ: قاضیان، ۱۳۸۰، ص. ۷۳

سطح	الف. ساخت اجتماعی (تجربی)، ب. ساخت آگاهی (هنجاری)، ج. ساخت سیاسی
موقعیت	الف. عینی–پایه، ب. ذهنی/میانی یا مکمل، ج. عینی/ذهنی/میانی یا مکمل
حوزه مفهومی	الف. موقعیت‌ها در ساخت اجتماعی، ب. ارزش‌ها و گرایش‌ها، ج. مواضع و پیوندهای سیاسی
مفاهیم و نظریه‌پردازان	گروه الف. تجربی: گروه‌های اجتماعی (کلمبیا و میشیگان)–ساخت اجتماعی، خرده نظام انسجام (لیپسیت)، شکاف‌های بخشی (اکشتین)، انتسابی و خصلتی (رائه و تیلور)، موقعیتی (ویل)، تقسیمات اجتماعی (فرانکلین)، سطح تجربی (بارتولینی و مایر)، ساخت اجتماعی (منزا و بروکز)، گروه ب. هنجاری: شبکه ارتباطات اجتماعی (کلمبیا)، هویت حزبی (میشیگان)، ایدئولوژی (ویل)، گرایش (رائه و تیلور، سطح هنجاری (بارتولینی و مایر)، ستیز و هویت‌یابی گروهی (منزا و بروکز)، گروه ج. سیاسی: سطح سازمانی و نهادی (لیپست)
تبیین موضوع	۱. مکتب کلمبیا: از شکاف‌ها و تعارضات مذهبی (کاتولیک و پروتستان) منطقه‌ای (شهر و روستا) و طبقاتی (بالا و پایین) برای توضیح رفتار انتخاباتی استفاده می‌کند؛ ۲. مکتب میشیگان: تعارضات ناشی از فرایند اجتماعی شدن و پیدایش هویت‌های حزبی متمایز است؛ بنابراین موضوع در سطح روان‌شناختی اجتماعی مطالعه می‌شود؛ ۳. لیپست: شکاف‌های اجتماعی را حاصل تحولات تاریخی مستمری می‌داند که از دو انقلاب همزاد یعنی انقلاب صنعتی و انقلاب‌های ملی در اروپا ناشی شده است. هدف لیپست تشخیص شکاف‌های ساخت اجتماعی است و اینکه این شکاف‌ها چگونه در عرصه سیاسی تجلی یافته و به حمایت سیاسی تبدیل شده است؛ ٤. اکشتین: به شکاف‌های بخشی اشاره می‌کند که منظور تقسیم‌بندی-های سیاسی است که ارتباط وثیقی با خطوط عینی تفکیک اجتماعی دارند و درپیِ آن هستند؛ ٥. رائه و تیلور: سه نوع شکاف عبارت‌اند از: الف. انتسابی یا خصلتی، ب. گرایشی، ج. رفتاری؛ ٦. ویل: احزاب به دنبال نمایندگی کردن طبقات اجتماعی، تفوت مذهبی، اقوام یا سایر منافع و علایق اجتماعی هستند و از این طریق می‌توان شکاف‌های اجتماعی متفاوتی را از یکدیگر متمایز کرد؛ ۷. فرانکلین: مفهوم شکاف را محدود کرده و آن را از سایر ستیزها و تعارضات اجتماعی متمایز می‌کند. ۸ بارتولینی و مایر: دو رهیافت شکاف اجتماعی و شکاف سیاسی را مطرح می‌کند که اولی به دنبال مطالعه تأثیر قشربندی اجتماعی بر نهادها و رفتار سیاسی است و دومی در جستجوی درک تأثیر نهادهای سیاسی بر ساخت اجتماعی و

	تغییرات اجتماعی است؛ ۹. منزا و بروکز: معتقدند برای تکوین شکاف اجتماعی تمام‌عیار وجود مؤلفه‌های هر سه سطح ضروری است. همچنین بر این باورند که انتقاد مخالفان رهیافت‌های جامعه‌شناسی در باب افول اهمیت شکاف‌های اجتماعی به دلیل بی‌توجهی به این سطح مبالغه‌آمیز است.
شاخص‌های مستخرج شده	۱. شکاف میان گروه‌های اجتماعی، شبکه ارتباطات اجتماعی؛ ۲. تأکید بر عوامل میانجی نظیر هویت حزبی، موضع در قبال نامزدها و موضوعات، ارزیابی احزاب و برآوردهای اقتصادی؛ ۳. شکاف‌های ناسازگار، شکاف‌های ساخت اجتماعی، عوامل میانجی، شکاف‌های عرصه سیاسی؛ ٤. شکاف بخشی؛ ٥. تقسیم‌بندی شکاف‌ها؛ ٦. موقعیتی، رفتاری، ایدئولوژیک؛ ۷. مسائل و موضوعات، تفاوت خط‌مشی، دغدغه‌های ایدئولوژیک؛ ۸. تقسیم‌بندی شکاف اجتماعی در سه سطحِ تجربی (ساخت اجتماعی)، هنجاری (ساخت آگاهی)، کلان و نهادی (ساخت سیاسی)؛ ۹. ساخت اجتماعی، ستیز و هویت‌یابی گروهی، ستیزهای سیاسی کلان.

بر این پایه، شکاف‌های اجتماعی دربرگیرنده دو بعد حداقلی[1] و حداکثری[2] است. مفهوم حداقلی شامل آن دسته از مفاهیمی است که صرفاً شکاف‌های عینی و سطح تجربی مربوط به ساخت اجتماعی یا گروه‌بندی‌های اجتماعی را مدنظر قرار داده‌اند. مفهوم حداکثری سه سطح متفاوت یعنی سطوح تجربی، هنجاری و نهادی را در این مفهوم مندرج می‌داند که آمیزه‌ای از جنبه‌های عینی و ذهنی است (قاضیان، ۱۳۸۰، ص. ۹۱). شکاف‌های اجتماعی برحسب عوامل گوناگون از جامعه‌ای به جامعه‌ای دیگر و از زمانی به زمان دیگر در درون یک کشور ممکن است تغییر کند. براساس چنین تنوعاتی می‌توان شکاف‌های اجتماعی را به شکاف‌های فعال یا غیرفعال و ساختاری یا تاریخی تقسیم کرد (بشیریه، ۱۳۹۱، ص. ۹۹). شکاف‌های فعال به آن دسته از شکاف‌های اجتماعی گفته می‌شود که آگاهی سیاسی و سازماندهی و عمل سیاسی بر پایه آن صورت گرفته باشد و بسیج سیاسی حول آن شکاف انجام پذیرد. از سوی دیگر، شکافی که در عین تقسیم جامعه به بخش‌های متفاوت موجب آگاهی و عمل سیاسی شود، شکاف پنهان یا غیرفعال خواهد بود (قاضیان، ۱۳۸۰، ص. ۸٦). شکاف‌های ساختاری، شکاف‌هایی هستند که به مقتضای برخی ویژگی‌های دگرگونی‌ناپذیر و پایدار در جامعه انسانی پدید آمده‌اند و همواره وجود دارند. درمقابل، برخی شکاف‌های اجتماعی برآیند سرنوشت تاریخی یک کشور هستند و بنابراین ضرورت ساختاری ندارند. تحولات و تصادف‌های تاریخی در

1. Minimalist
2. Maximalist

تکوین این شکاف‌ها در هر جامعه مؤثرند. از نظر شیوه صورت‌بندی و ترکیب، شکاف‌های اجتماعی ممکن است یکدیگر را تقویت کنند یا روی هم بار شوند. این نوع صورت‌بندی را صورت‌بندی شکاف‌های متراکم[1] می‌خوانند. درمقابل شکاف‌هایی که ممکن است یکدیگر را تضعیف کنند، شکاف‌های متقاطع[2] نامیده می‌شوند. شکاف‌های متراکم به اعتباری شکاف‌های «سراسری» هستند و کل جامعه را معمولاً به دو قطب متضاد تقسیم می‌کنند و پتانسیل کشمکش را افزایش می‌دهند. برعکس درصورتی‌که شکاف‌های اجتماعی یکدیگر را قطع کنند و با همدیگر همپوشانی داشته باشند، با توجه به افزودن بر نقاط اشتراک میان گروه‌بندی‌های اجتماعی زمینه منازعات سیاسی را کاهش می‌دهند (بشیریه، ۱۳۹۱، ص. ۱۰٤).

براساس شیوه ترکیب و فعال یا غیرفعال بودن شکاف‌های اجتماعی انواع صورت‌بندی شکاف‌های اجتماعی به دست می‌آید: ۱. جامعه تک‌شکافی فعال: در این ساخت تنها یک شکاف عُمده از نظر سیاسی فعال است و شکاف‌های دیگر از نظر سیاسی مؤثر نیستند یا اینکه با توجه به تجانس جمعیت از نظر قومی، مذهبی و زبانی اساساً شکاف‌های دیگر وجود ندارد؛ ۲. جامعه دوشکافی موازی: در این نوع ساخت اجتماعی دو شکاف عمده و فعال وجود دارد، ولی این دو متراکم نیستند. درعین‌حال شکاف‌های متقاطع غیرفعال دو شکاف اصلی را قطع می‌کنند و مانع از پاره پاره شدن بافت جامعه می‌شوند؛ ۳. جامعه تک‌شکافی متراکم: در این ساخت یک شکاف عمده و فعال وجود دارد، ولی شکاف‌های دیگر اگرچه از نظر سیاسی فعال نیستند، بر شکاف اصلی بار می‌شوند و آن را تقویت می‌کنند؛ ٤. جامعه دوشکافی متقاطع: در این ساخت دو شکاف عمده و فعال یکدیگر را قطع می‌کنند و درنتیجه شمار و تنوع نیروهای اجتماعی و سیاسی افزایش می‌یابد؛ ۵. جامعه سه‌شکافی متقاطع: درصورتی‌که سه شکاف قوی و فعال وجود داشته باشد، کثرت ایدئولوژی‌ها و احزاب سیاسی افزایش می‌یابد و پتانسیل منازعه نیز شدت می‌یابد (بشیریه، ۱۳۹۱، ص. ۱۰٦)؛ ٦. جامعه دوشکافی متراکم: در این نوع ساخت اجتماعی دو شکاف عمده و فعال وجود دارد و آن‌ها یکدیگر را

1. Reinforcing Cleavages
2. Crosscutting Cleavages

تقویت می‌کنند. گرچه شکاف‌های دیگر فعال نیستند، بر شکاف اصلی بـار مـی‌شـوند و آن را تقویت می‌کنند. این شکاف‌ها از نظر اجتماعی و سیاسی پتانسیل منازعه را شدت می‌بخشند.

۲. ۳. انواع شکاف اجتماعی

شکاف‌های اجتماعی را می‌توان به شکاف نسلی، شکاف طبقاتی–اقتصادی، شکاف قومی–طایفه‌ای، شکاف فضایی–جغرافیایی، شکاف جنسیتی، شکاف سنت و مدرنیتـه و شـکاف بـین گروه‌های ذی نفوذ و نیروهای اجتماعی تقسیم‌بندی کرد. شکاف‌های جنسیتی، نسلی، مـذهبی و طبقاتی در تقسیمات ساختار اجتماعی، چالش‌های هنجـاری و اشـکال سـازمانی موسسـات سیاسی و احزاب اکثریت ریشه دارند، اما سایر شکاف‌های اجتماعی دلایل دیگری دارند (منـزا و بروکز[1]، ۱۹۹۹، ص. ۳۷۲). در زمینه اختلاف نسل‌ها با یکدیگر مفاهیم متعددی به کار رفتـه است که رایج‌ترین مفهوم، شکاف نسلی است. در فرهنگ آکسفورد شـکاف نسـلی بـه‌عنـوان اختلاف در نگرش یا رفتار جوانان و افراد سالمندتر تعریف شده است که موجـب نبـود فهـم متقابل آنان از یکدیگر می‌شود. در فرهنگ وبستر شکاف نسلی به‌عنـوان اختلـافی گسـترده در خصلت‌ها و نگرش‌های میان نسل‌ها تعریف شـده اسـت (معیـدفر، ۱۳۸۳، ص. ٥٦). شـکاف نسلی مفهومی است که اختلاف فاحش روانی، اجتماعی، فرهنگی و تفاوت معنادار در بینش و آگاهی، باورها، تصورات، انتظارات، جهت‌گیری‌های ارزشی و الگوهـای رفتـاری میـان دو یـا چند نسل را هم‌زمان در یک جامعه بررسی می‌کند (احمدی و احیایی، ۱۳۹۲، ص. ۲). شکاف طایفه‌ای–قومی به معنی فاصله و نابرابری‌هایی است که در اعطای امتیـازات و حقـوق باعـث رابطه نابرابر در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی–اجتماعی می‌شود؛ به نحوی که برخـی از اقوام آن در سطوح مختلف جامعه یا حذف می‌شوند یا در حاشیه قرار می‌گیرنـد (ترابـی و مجیدی، ۱۳۹۲، ص. ۱۲). شکاف جغرافیایی به معنـی توزیـع نـابرابر فرصـت‌هـا، امکانـات و قدرت در فضا است. این نوع شکاف عمدتاً بازنمود فضایی از شـکاف اجتمـاعی و اقتصـادی است که تحت‌تأثیر جریان‌های تاریخی، اجتماعی و اقتصادی شـکل مـی‌گیـرد. نـابرابری‌هـای فضایی می‌تواند شامل نابرابری بین شهر و روستا، شهرهای کوچک و بزرگ، مناطق برخوردار

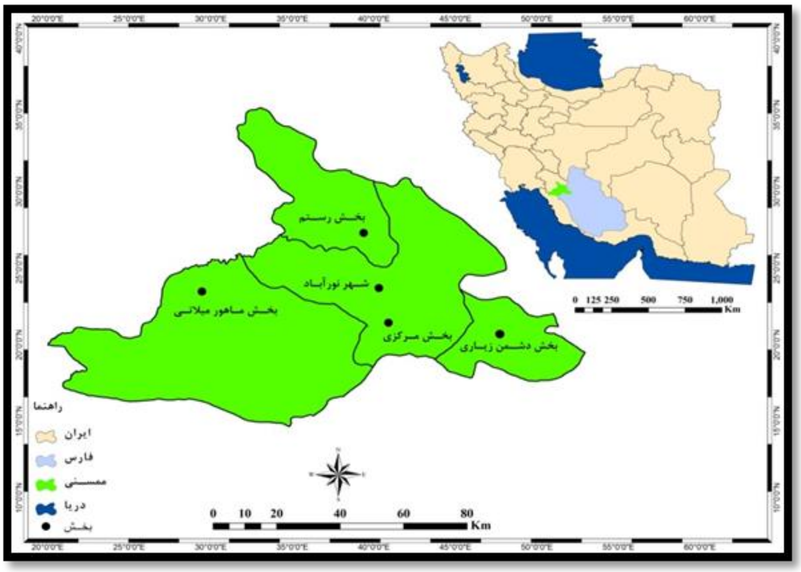
1. Manza & Brook

و محروم و از این دست باشد (حافظ‌نیا و قادری‌حاجت، ۱۳۹۳، ص. ۱۲). شکاف جنسیتی یعنی توزیع نابرابر ثروت، قدرت و مزایای جامعه میان زنان و مردان. این نوع شکاف را می‌توان وضعیتی تلقی کرد که در آن زنان عموماً زیرِ سلطه مردان قرار دارند و موقعیت زنان و مردان به دو حوزه خصوص و عمومی تفکیک شده است (همتی و مکتوبیان، ۱۳۹۲، ص. ۱۱۷). شکاف طبقاتی- اقتصادی به معنی توزیع ناعادلانه درآمد و ثروت میان اقشار فقیر و غنی، بهره‌کشی طبقه غیرمولد از طبقات مولد و مالکیت بر وسایل تولید است (زاهدی، ۱۳۹٦، ص. ۱۹۲). شکاف بین نیروهای اجتماعی و گروهای ذی‌نفوذ بر بنیاد شأن و منزلت اجتماعی و میزان درآمد مالی است که بین آن‌ها نابرابری ایجاد کرده است. همچنین شکاف سنت و مدرنیته بر مبنای تضاد بین ساخت ایلی/عشیره‌ای و ساخت مدرن بوده و دربرگیرنده ارزش‌ها و هنجارهای میان گروه‌های سنتی و مدرن است.

٤. منطقه مورد مطالعه

شهرستان ممسنی در شمال غربی استان فارس و غرب رشته کوه زاگرس قرار دارد. این فضای جغرافیایی شامل سه گروه زبانی لُری (اکثریت)، تُرکی قشقایی (اقلیت) و عربی (اقلیت) با اختصاص ٦۸۰۱ کیلومتر مربع از مساحت استان، ۱٦۱۹۱۳ نفر جمعیت دارد که ۷٦۹۲۵ نفر در نقاط شهری و ۸۰۸۷۵ نفر در نقاط روستایی سکونت دارند و ٤۱۱۳ نفر نیز غیرساکن هستند. در وضعیت کنونی، ممسنی از پنج بخش مرکزی (بَکش و جاویدماهوری)، جوزار، رُستم، دُشمَن‌زیاری و ماهور میلاتی تشکیل شده است. بخش مرکزی که زادگاه و زیستگاه دو طایفه پرقدرتمند جاوید و بکش است، با داشتن ۹۸۸۱٦ نفر، بیشترین میزان جمعیت را در شهرستان دارد. پس از بخش مرکزی، بخش رستم با ٤٤۳٦۱ نفر جمعیت، متراکم‌ترین بخش شهرستان ممسنی است. دو بخش دشمن‌زیاری و ماهور میلاتی با داشتن ۹۳۲٦ و ۵۲۹۷ نفر جمعیت از کم‌پشت‌ترین نواحی جغرافیایی ممسنی به شمار می‌روند (مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۵). هرکدام از این قلمروها و فضاهای جغرافیایی، حوزه‌های زیستگاهی طایفه‌های موجود در ممسنی هستند؛ به‌طوری‌که از دیرباز در حُکم زیستگاه و بستر حیات و فعالیت ساکنان طوایف بکش، رستم، جاوید، دشمن-

زیاری و ماهور میلاتی عمل می‌کنند و سکونتگاه‌های آن‌ها قلمرو سیاسی و حوزه نفـوذ تحـت کنترل آن‌ها بوده است (صادقی، ۱۳۹۳، ص. ٥٤) (شکل ۱).



نقشه ۱. موقعیت جغرافیایی شهرستان ممسنی

مأخذ: صادقی، ۱۳۹۳، ص. ٥٤

در شهرستان ممسنی، ساختار ایلی- عشیره‌ای و کنش اجتماعی و سیاسی کـارگزاران مـانع از انسجام و یکپارچگی طوایف شده است؛ ازاین‌رو تضاد میان عناصر و بخـش‌هـای مختلـف فرهنگی و اجتماعی در این شهرستان چشمگیر است؛ بر این بنیـاد، زمینـه لـازم بـرای تثبیـت شکاف‌های اصلی یا شکل‌گیری شکاف‌های جدید در طول تاریخ استقرار ایلِ ممسنی در ایـن پیکره سرزمینی شکل گرفته است؛ بنـابراین مـی‌تـوان شـکاف‌هـای طایفـه‌ای و جغرافیـایی را بنیادی‌ترین و فعال‌ترین نوع شکاف‌ها دانست که همواره در بستر اجتماع ممسنی وجود دارند و بر تمامی عرصه‌ها تأثیرگذار می‌گذارند؛ افزون بر این، پس از سقوط خوانین، برخی شکاف-های اجتماعی شکل گرفته‌اند که ممکن است به‌طور مستقیم بر تحولـات اجتمـاعی و سیاسـی تأثیرگذار نباشند، ولی بر شکاف‌های اصلی بار (افزوده) می‌شوند و آن‌ها را متراکم می‌کنند.

۵. یافته‌های تحقیق

۵. ۱. پراکسیس و شکاف اجتماعی

پراکسیس[1] به معنی انجام دادن، تمرین کردن و استفاده عملی از امری یا چیزی است. در تبیین پراکسیس و شکاف اجتماعی باید اشاره کرد که کُنش‌گری انسانِ ممسنی در بستر تاریخ صرفاً به روابط و مناسبات اجتماعی معمولی معطوف نبوده است، بلکه برساختگی مسائل فرهنگی و اجتماعی در تعیین جایگاه افراد و گروه‌ها و سطح تعاملات آن‌ها با یکدیگر نیز نقش بسزایی داشته است؛ ازاین‌رو شأن و منزلت اجتماعی انسانِ ممسنی از آغاز استقرار در سرزمین شولستان (نام پیش از ممسنی) تعریف، و جهان‌بینی افراد درباره یکدیگر شکل گرفت و زمینه شکاف‌های اجتماعی گوناگونی شد. این شکاف‌ها در درجه نخست در تقسیم‌بندی درون‌ایلی ریشه دارد و تبیین آن‌ها می‌تواند به درک و فهم میزان تأثیرگذاری آن‌ها کمک شایانی کند (جدول۲).

جدول ۲. پراکسیس و شکاف‌های اجتماعی در بستر تاریخِ ممسنی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

گونه‌شناسی شکاف	تبیین شکاف
طایفه‌ای	هریک از طوایف نه‌تنها نگاهی متفاوت به شأن و منزلت اجتماعی و سیاسی یکدیگر داشتند، بلکه وجود سلسله‌مراتب در درون آن‌ها نیز بر ساخت شکاف‌ها مؤثر واقع شد. این شکاف زیربنای مناسبات اجتماعی و تحولات سیاسی در ایلِ ممسنی را شکل داد که قوی‌ترین برآیند آن ایجاد مرزبندی‌های ذهنی میان طوایف و تنش‌های لفظی یا زد و خوردهای طولانی‌مدت بود.
جغرافیایی	این شکاف مُنبعث از استقرار طوایف ممسنی در قلمروهای مختلف بوده و به دلیل ایجاد حس تعلق مکانی و زیستگاهی، کارویژه زیربنایی و عینی داشته است. افراد، زیستگاه جغرافیایی خود را والاترین و کامل‌ترین مکان جغرافیایی می‌پنداشتند که در مقایسه با سایر مناطق از وضعیت مطلوب‌تری برخوردار است.
جنسیتی	در ساختار ایلی–عشیره‌ای ممسنی، به دلیل عصبیت انسانِ ممسنی و چیرگی نگرش پدرسالاری، جنس مرد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود و زن صرفاً وظیفه تأمین نیازهای جنسی مرد و خانه‌داری را بر عهده داشت. نیاز «پدر» به توان فیزیکی و نیروی کار «پسر» به منظور تأمین معاش خانواده،

1. Praxis

گونه‌شناسی شکاف	تبیین شکاف
	توده مردم را به سوی کثرت فرزند پسر سوق می‌داد. اتکای ساکنان ممسنی به کشاورزی و دامداری چنین رویه‌ای را مرسوم کرده بود. از سوی دیگر می‌توان به کارویژه تدافعی یا جنگاوری مرد اشاره کرد که به دلیل خلق نزاع‌های دسته‌جمعی میان طوایف، تیره‌ها و اولادها، وجود ایشان برای دفاع از کیان و شرافت خانواده الزامی شده بود.
گروه‌های ذی‌نفوذ و نیروهای اجتماعی	برخی از نیروهای اجتماعی نظیر فرهنگیان از شأن و احترام خاصی میان توده برخوردار بودند, این در حالی است که افراد خوش‌نشین، کاسب، مِهتر و خطیر دون‌پایه محسوب می‌شدند. در میان گروه-های ذی‌نفوذ نیز موی‌سپیدان و بزرگان از منزلت اجتماعی و قدرت رای‌زنی بیشتری برخوردار بودند، ولی گروه‌های خویشاوندی و متنفذین محلی کمتر به ایفای نقش می‌پرداختند؛ زیرا قدرت متمرکز خوانین گاه مانع از کنشگری آن‌ها می‌شد.
طبقاتی	ساختار عشیره‌ای ممسنی زمینهٔ بهره‌مندی گروه اقلیت (خان، کدخدا، عمده‌مالک) از ثروت بود و بیشتر مردم در فقر و فلاکت به سر می‌بردند. ثروت‌اندوزی خوانین و بیگاری رعیت به شکل‌گیری دو طبقه بالا (فرداست) و پایین (فرودست) منجر شده بود.
نسلی	شکاف نسلی برجستگی چندانی نداشته است؛ زیرا ذهنیت اجتماعی پدر و پسر شبیه به یکدیگر و مبتنی بر اقتضائات و الزامات ساختار ایلی-عشیره‌ای شکل گرفته بود.
قومی	شکاف قومی تا اواخر دوره قاجاریه مطرح نبوده است؛ چراکه همه طوایف ممسنی گویش و هویت لُری داشتند و قوم ترک قشقایی هنوز به ساختار ممسنی ملحق نشده بود.
سنت و مدرنیته	عناصر مدرن هنوز موردتوجه ساکنان قرار نداشت و ارزش‌های سنتی و طایفه‌ای تعیین‌کننده مسائل اجتماعی و سیاسی بودند.

۵. ۲. تبیین انواع شکاف اجتماعی در اجتماع محلی شهرستان ممسنی

۵. ۲. ۱. شکاف طایفه‌ای

شاید بتوان گفت شکاف طایفه‌ای[1] در درجه نخست نشئت‌گرفته از فقدان یا ضعف «تاریخ مشترک» بین طوایف است. تاریخ مشترک داشتن نقشی اساسی در همگرایی و خلق جامعه دارد. انگاره‌های بین‌الاذهانی و نگرش نابرابر به همدیگر داشتن و گاهی خود را بهتر و دیگران را وامانده و نمیدار دانستن، از خصیصه‌ها و پیامدهای این شکاف است (حافظ‌نیا و صادقی،۱۴۰۰، ص. ۵۸). این شکاف بر کوچک‌ترین مسائل زندگی زناشویی تا رسمی‌ترین حوزه‌ها نظیر نهادها و ادارات شهرستان ممسنی اثرگذار است؛ اضافه بر این، تعاملات و

1. Tribal Cleavage

مناسبات محدود اجتماعی طوایف ممسنی با یکدیگر و رقابت سیاسی تمام‌سطوح بیانگر گُسست عمیق میان آن‌ها است. در این راستا می‌توان به پایگاه آراء نمایندگان ادوار حوزه انتخابیه ممسنی اشاره کرد که توانسته‌اند بیشترین میزان آراء را در قلمرو جغرافیایی طایفه خود کسب کنند (رومینا و صادقی، ١٣٩٤، صص. ١٠٩–١٠٢). به‌طورکلی دو مؤلفه «منزلت اجتماعی» و «روحیه سلحشوری» در تشدید شکاف طایفه‌ای مؤثرند. شأن و منزلت طوایف با توجه به شاخص‌هایی نظیر جمعیت، وسعت جغرافیایی، اراضی کشاورزی، تعداد ادوار راهیابی نامزدها به مجلس و حضور فعال در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی سنجیده می‌شود؛ به‌عنوان‌مثال، هرچند طایفه ماهور میلاتی (عمدتاً ترک‌تبار) از وسعت و اراضی زیادی برخوردار است، این مؤلفه‌ها نتوانسته‌اند به شأن و منزلت اجتماعی آن کمک درخور کنند؛ چراکه تحت‌الشعاع عواملی هویتی و پیشینه تاریخی متفاوت با قوم لُر قرار گرفته‌اند. از نظر تعداد راهیابی نمایندگان به مجلس، طایفه بکش با پنج دوره در صدر و طوایف جاوید و رستم هرکدام با سه دوره در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. طوایف دشمن‌زیاری و ماهور میلاتی تاکنون به کسب کرسی مجلس موفق نشده‌اند. سرانجام، حضور سه طایفه نخست در تحولات اجتماعی و سیاسی شهرستان ممسنی پُررنگ بوده که به نظر می‌رسد منزلت اجتماعی‌شان را تقویت کرده است؛ این در حالی است که طوایف دشمن‌زیاری و ماهور میلاتی معمولاً در حاشیه و انزوا اجتماعی به سر می‌برند. افزون بر این می‌توان به روحیه سلحشوری اشاره کرد که در بستر تاریخ و هم‌اکنون امری مُغتنم شمرده می‌شود؛ یعنی هرچه یک طایفه یا تیره توانایی بسیج نیروهای پُرشور را در میدان‌هایی همچون کارزار انتخابات‌های محلی داشته باشد، از وزن مکانی بیشتر و به‌تبع آن منزلت اجتماعی بالاتری برخوردار می‌شود. معمولاً روحیه سلحشوری طوایف جاوید و بکش در کارزار انتخابات به دلیل رقابت تنگاتنگ و نفس‌گیر، بیش از دیگر قلمروها است (جدول ٣).

جدول ۳. شاخص‌های سنجش شکاف طایفه‌ای

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

طایفه/شاخص	جمعیت	وسعت	اراضی زراعی	تعداد نماینده	حضور در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی ممسنی
بکش	١٦٩٦٧ (دهستان بکش ۱ و ۲)	۵۳۹	۱۷٤٦٢/۵	۵	فعال
جاوید	۱۵۲۵۵ (دهستان جاوید ماهوری و بخش جوزار)	۱۰۳۹	۳۰۵۰	۳	فعال
رستم	٤٦٨۵۱	۱۲۰۰	۲۳۵۰۰	۳	فعال
دشمن‌زیاری	۹٤٦۳	۸٦٦	۱۸۸۸۵	۰	نیمه‌فعال
ماهور میلاتی	۷۳۱۱	۳۵۱۸	۹٤۸۳	۰	منفعل

از نظر صورت‌بندی، شکاف طایفه‌ای در زُمره شکاف‌های فعال قرار می‌گیرد که مُدام در زندگی اجتماعی ساکنان ممسنی تولید و بازتولید می‌شود. این شکاف به‌مثابه مسئله‌ای ذهنی مبتنی بر ارزش‌ها، هنجارها، رفتار اجتماعی و کنش سیاسی طوایف است که در بستر ساخت عشیره‌ای در نگرش باشندگان ریشه دوانیده و در رفتار اجتماعی و سیاسی آن‌ها در قِبَلِ یکدیگر بازتاب پیدا کرده است. ازجمله پیامدهای این شکاف، خودبرتربینی اجتماعی، ضعف انسجام و یکپارچگی اجتماعی طوایف، سوءظن و تخریب یکدیگر، قشون‌کشی و اسلحه‌کشی است. سرانجام، شکاف طایفه‌ای به‌عنوان شکاف ساختاری، اصلی و متراکم در شهرستان ممسنی محسوب می‌شود که در کنار شکاف جغرافیایی قرار دارد و سایر شکاف‌ها بر آن‌ها بار می‌شوند و جامعه دوشکافی متراکم را در این فضای جغرافیایی ایجاد می‌کنند. این دو شکاف اصلی نیز به‌طور متقابل یکدیگر را قوام می‌بخشند و استمرار پیدا می‌کنند.

۵. ۲. ۲. شکاف جغرافیایی

شکاف جغرافیایی[1] یکی از زیربنایی‌ترین شکاف‌ها در شهرستان ممسنی به شمار می‌رود که بر شماری از مناسبات اجتماعی و سیاسی تأثیر گذاشته است. به‌طورکلی، شکاف فضایی- جغرافیایی در این شهرستان دربرگیرنده شمال و جنوب شهر، مناطق شهری و روستایی و

---

1. Geographical Cleavage

مرکز-پیرامون است. در زمینه شکاف شمال و جنوب می‌توان به محله‌های مختلف شهر نورآباد اشاره کرد که در شاخص‌هایی نظیر زیرساخت‌های عمرانی و شناسه‌های فرهنگی و اقتصادی با یکدیگر تفاوت دارند. اگرچه فاصله شمال و جنوب شهر اندک است، تفاوت‌های چشمگیری میان آنان مشهود است. در این چارچوب، محله‌هایی نظیر صالحی، دُوراهی و اِسکان عشایر به رغم اینکه از نظر جغرافیایی در جنوب و شرق شهر واقع شده‌اند، به دلیل تکثر فرهنگی (طوایف و تیره‌های مختلف) مورفولوژی سنتی دارند؛ به‌طوری‌که چشمگیرترین میزان اعتیاد، الکل، جرم و فساد در این محله‌های زیستی صورت می‌گیرد. از نظر اقتصادی ساکنان چنین محله‌هایی (به‌استثنای شخصیت‌های متمول) معمولاً در سطح پایین قرار دارند؛ این در حالی است که محله‌های شمال شهر نورآباد نظیر جهاد، مُوردآبی، استادیوم و جهاد از منازل مسکونی لوکس و خودروهای مدل بالا برخوردارند و افرادی که در زُمره سرمایه‌داران شهرستان قرار دارند، سکونت در این محله‌ها را ترجیح می‌دهند. از نظر فرهنگی، ساکنان این محله‌ها کمتر درگیر حاشیه‌ها و معضلات اجتماعی می‌شوند (جدول ٤).

جدول ٤. شاخص‌های سنجش شکاف جغرافیایی (محله‌های مختلف شهر نورآباد)

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ١٤٠٢

محله/شاخص	موقعیت جغرافیایی	الکل	مواد مخدر و اعتیاد	جرم و جنایت	سرقت	خشونت و نزاع	فساد	وضعیت اقتصادی
اسکان عشایر	شرق							ضعیف
دوراهی	شرق							ضعیف
تُل‌کوشک	شرق							ضعیف
موسوم به اتوپتو	مرکز							ضعیف
صالحی	جنوب							متوسط
جهاد	شمال							خوب
موردآبی	شمال							خوب
استادیوم	شمال غرب							خوب

از سوی دیگر می‌توان به توزیع نابرابر فرصت‌ها و امکانات در فضای جغرافیایی شهری و روستایی ممسنی اشاره کرد. درحالی‌که شهر نورآباد از امکانات خدماتی، رفاهی و آموزشی نظیر ادارات، بانک‌ها، مراکز خرید و مدارس پیشرفته برخوردار است، سکونتگاه‌های روستایی دورافتاده از چنین مزایایی بهره‌مند نیستند و در محرومیت به‌سر می‌برند؛ بنابراین هرچه فاصله روستاها از مرکز شهر (نورآباد) بیشتر می‌شود، شکاف میان شهر و روستا نیز افزایش می‌یابد.

شایان ذکر است که موقعیت سکونتگاه‌ها در میزان بهره‌مندی آن‌ها از خدمات عمرانی و رفاهی نقش دارد. در این زمینه می‌توان به موقعیت کوهپایه‌ای، کوهستانی و دشتی سکونتگاه-های بخش دشمن‌زیاری اشاره کرد که روستاهای کوهپایه‌ای از وضعیت بهتری برخوردارند. ازجمله مصادیق این امر روستاهای دولت‌آباد، بلمینی و حَسنی است که در شاخص‌هایی نظیر نزدیکی به جاده اصلی، فاصله تا مرکز بخش دشمن‌زیاری و شهرستان (شهر نورآباد)، سیستم جمع‌آوری زباله، دسترسی به وسایل حمل‌ونقل عمومی، راه ارتباطی، آب آشامیدنی سالم و بهداشتی، انتفاع از برق و تلفن، مدرسه ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و پیش‌دانشگاهی، جایگاه توزیع مواد سوختی، دسترسی به خدماتی نظیر نانوایی، خواروبارفروشی، خدمات مالی و اعتباری، تعمیرگاه ماشین‌آلات، وسایل مکانیزاسیون زراعی، آنتن‌دهی رادیو و تلویزیون، نور و روشنایی و امکانات ورزشی از وضعیت مطلوبی برخوردارند (فاضل‌نیا و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۲۰۵). همچنین روستاهایی که از دهیاری برخوردارند، از نظر طبیعی، کیفیت فیزیکی و کالبدی، کیفیت اوضاع اجتماعی و مکان‌های آموزشی در مقایسه با روستاهای فاقد دهیاری وضعیت بهتری دارند (شمس‌الدینی و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۷۵).

افزون بر این، استقرار طوایف ممسنی در مناطق مختلف جغرافیایی زمینه تبدیل قلمرو آن‌ها به بخش‌های مختلف شده است. در این راستا، بخش مرکزی شهرستان ممسنی (به‌ویژه دهستان‌های بکش ۱ و ۲) از وضعیت مطلوب‌تری در مقایسه با بخش پیرامونی (ماهور میلاتی و دشمن‌زیاری) برخوردار است. بخش نیمه‌پیرامونی (رستم) در مقایسه با بخش پیرامونی وضعیت مطلوب داشته، ولی در مقایسه با بخش مرکزی وضعیت نامساعدی دارد. برای تحلیل ناتعادلی‌های ناحیه‌ای در شهرستان ممسنی از روش تحلیل آماری «امتیاز استاندارد» بهره‌گیری شده است. در این روش میزان تراکم کارکردهای اقتصادی، اجتماعی و خدمات بر پایه اندازه

جمعیت در دهستان‌های شهرستان در سال ۱۳۹۰، اندازه‌گیری شده است؛ درنتیجه دهستان‌های برخوردار از توانمندی بیشتر برای توسعه از دیگر دهستان‌ها شناخته شده و دهستان‌های شهرستان بر پایه امتیاز استاندارد، توانمندی پیشرفتشان دسته‌بندی شده‌اند (جدول۵). در روش امتیاز استاندارد، فرمول زیر به کار گرفته شده است:

$$\text{امتیاز استاندارد} = \frac{\text{میانگین جمعیت دهستان‌ها} - \text{جمعیت هر دهستان}}{\text{انحراف معیار جمعیت دهستان‌ها}}$$

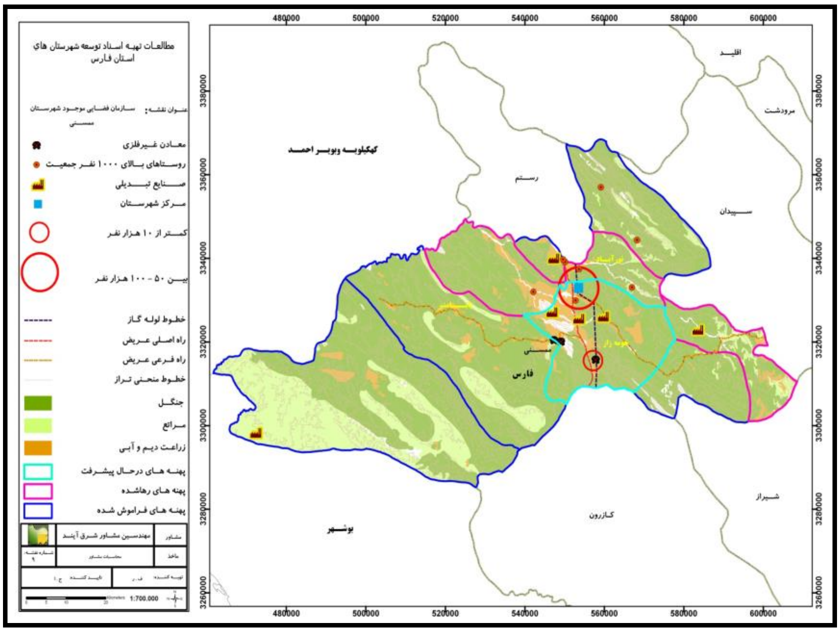
جدول ٥. ناتعادلی‌های ناحیه‌ای در شهرستان ممسنی

مأخذ: معاونت برنامه‌ریزی استان فارس، ۱۳۹۳، ص. ٦٠

دهستان	جمعیت (نفر)	امتیاز معیار	توانمندی پیشرفت
بکش۱	١١٤٨٤	٢,١	زیاد
دشمن زیاری	٤٨٤٠	٩	کم
بکش۲	٥٤٨٣	٢	کم
جاویدماهوری	٨٤٢٥	١	کم
جوزار	٦٨٣٠	-٣	خیلی کم
ماهور	٤٨٩٢	-٦	خیلی کم
قهلیان	٤٩٢٠	-٧	خیلی کم
مشایخ	٤٦٢٣	-٨	خیلی کم
میشان	٢٤١٩	-٠,١	خیلی کم
میانگین	٦٠٦٢	-	-
انحراف معیار	٢٣١١	-	-

نتایج نشان می‌دهد که دهستان بکش ۱ در برابر هشت دهستان دیگر شهرستان، از توانایی-های بیشتری برای توسعه برخوردار است، دهستان‌های دشمن‌زیاری، بکش ۲ و جاوید ماهوری توانایی‌های نسبی دارند و ناتعادلی‌های ناحیه‌ای در دیگر دهستان‌های شهرستان بسیار زیاد است؛ بر این بنیاد، توان ایجاد کارکردهای نوین اقتصادی، اجتماعی و خدماتی به‌ویژه در پیوند با فعالیت‌های کشاورزی، دام‌پروری و صنعت وابسته به آن‌ها در دهستان بکش ۱ بسیار

زیاد است، ولی چالش عُمده در این دهستان، خطر مهاجرت‌های روستایی است که می‌تواند از توسعه آن در آینده جلوگیری کند. دهستان‌های دشمن‌زیاری، بکش ۲ و جاوید ماهوری، قلمروهایی هستند که از زمینه‌های پیشرفت و توانمندی‌های آنان بهره‌گیری نشده است. چالش بنیادی در این قلمروها، پیرامونی بودن آن‌ها در برابر کانون نیرومند شهر نورآباد است. سایر دهستان‌های شهرستان، قلمروهای فراموش‌شده و دست‌نخورده و بکر به شمار می‌آیند. این دهستان‌ها توانش‌هایی به‌ویژه در حوزه‌های کشاورزی، دام‌پروری و صنعت وابسته به آن دارند، ولی مجال سرمایه‌گذاری و پیشرفت به آن‌ها روی نیاورده است. چالش عمده در این سامان‌ها، کمبود زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی است (معاونت برنامه‌ریزی استان فارس، ۱۳۹۳، ص. ٦٢). در شکل ۲ می‌توان شکاف جغرافیایی میان مناطق مرکزی و پیرامونی شهرستان ممسنی را مشاهده کرد.



شکل ۲. سازمان فضایی وضع موجود در شهرستان ممسنی

مأخذ: معاونت برنامه‌ریزی استان فارس، ۱۳۹۳، ص. ٦٤

به‌طورکلی، شکاف مکانی–جغرافیایی تحت‌تأثیر عوامل هویتی و فرهنگی نیز تشدید می‌شود؛ چراکه توزیع عادلانه ثروت و قدرت در فضاهای جغرافیایی مختلف صورت نمی‌گیرد؛ بنابراین نه‌تنها عوامل طبیعت‌پایه (تفکیک طبیعی بخش‌های شهرستان از یکدیگر) در ساخت شکاف جغرافیایی مؤثرند، بلکه عوامل انسان‌پایه (اصحاب قدرت و کارگزاران) نیز در تقویت این شکاف تأثیرگذارند (شمس‌الدینی و همکاران، ۱۳۹۲، صص. ۹۷–۹٦).

از نظر صورت‌بندی، شکاف جغرافیایی در شهرستان ممسنی فعال است و بر زندگی اجتماعی ساکنان تأثیر بسزایی دارد. این شکاف از نوع ساختاری است؛ زیرا از زمان ورود ایلِ ممسنی به قلمرو شولستان، فضاهای جغرافیایی زمینه تفکیک افراد از یکدیگر شد. همچنین این شکاف را می‌توان پدیده‌ای عینی دانست که به تفکیک بخش‌ها از یکدیگر منجر شده است. سرانجام، این شکاف به صورت متراکم است که شکاف‌های دیگر نیز بر آن بار می‌شوند و ممسنی را با چالش‌های فرهنگی و اجتماعی مواجه می‌کنند (جدول ٦).

جدول ٦. وضعیت شکاف جغرافیایی (مرکز و پیرامون)

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ١٤٠٢

وضعیت	مرکز	نیمه‌پیرامون	پیرامون
طوایف	بکش و جاوید	رستم	دشمن‌زیاری و ماهور
سطح توسعه و خدمات	خوب	متوسط	ضعیف

۵. ۲. ۳. شکاف سنت و مدرنیته

تعارض میان سنت و مدرنیته[1]، مسئله‌ای جدید در شهرستان ممسنی است؛ زیرا به‌رغم ورود تکنولوژی و فضای مجازی به این شهرستان و تحولات داخلی نظیر افزایش سطح آگاهی عمومی و فرایند شهری شدن، مناسبات اجتماعی تحت‌تأثیر قرار گرفته است؛ ازاین‌رو می‌توان ممسنی را اجتماعی در حال گذار قلمداد کرد که تضاد میان عناصر سنتی و مدرن در جریان است؛ با وجود این، به دلیل تثبیت ساختار ایلی–عشیره‌ای در فضای جغرافیایی ممسنی، عناصر سنتی از نقش‌آفرینی بیشتری برخوردارند. در طرف مقابل نیز استفاده توده مردم از

1. Tradition and Modernity

فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی، پوشش و ظاهر مدرن نشان‌دهنده اهمیت شاخص‌های مدرنیته است. شایان ذکر است که رقابت‌های اجتماعی در چارچوب سنت و مدرنیته نیز بر تشدید شکاف افزوده است. ازجمله مصادیق این امر، جشن‌های عروسی است که رقابت در زمینه بهترین لباس محلی، میزان طلا، تعداد دعوتی‌ها، کیفیت تالار و غذا، نوع ماشین و از این قبیل در جریان است. اگرچه این رقابت‌ها در چارچوب سنت‌ها صورت می‌گیرند، رنگ و لعاب مدرن نیز دارند؛ یعنی افراد درپیِ مدرن جلوه دادن خود هستند تا شأن و پرستیژ اجتماعی‌شان نزد دیگران حفظ شود. به لحاظ اقتصادی، شیوه زیست ممسنی‌ها عمدتاً معیشتی و مبتنی بر کشاورزی سنتی (غیرمکانیزه) و در برخی مناطق دامداری است. اگرچه در بخش-هایی همچون بازار (فصلی)، صنعت (راکد)، خدمات دولتی (ناکارآمد) و بخش خصوصی (نافرجام) تاحدودی سبک و سیاق مدرن به چشم می‌خورد، رکود این بخش‌ها مانعی در برابر شکل‌گیری ممسنی مدرن (در معنای توسعه اقتصادی) است. از سوی دیگر، در عرصه سیاست، شکاف سنت و مدرنیته در بالاترین سطح ممکن قرار دارد؛ چراکه به‌رغم برگزاری انتخابات به‌عنوان پدیده‌ای مدرن، الگوی رأی مشارکت‌کنندگان مبتنی بر سنت‌ها و ارزش‌های خویشاوندی و طایفه‌ای است (جدول ۷).

جدول ۷. شاخص‌های شکاف سنت و مدرنیته

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

سنت	لباس محلی	سازه و نقاره	برگزاری جشن عروسی	برگزاری عروسی در منزل	صرف غذا در سینی	تلویزیون، مجله‌های محلی شهرستان	مشارکت سیاسی هیجانی در انتخابات مجلس و شورای اسلامی شهر و روستا	زیست معیشتی/کشاورزی و دامداری
مدرنیته	لباس اسپورت	اُرگ	ماه عسل	برگزاری عروسی در تالار	صرف غذا در بشقاب	اینترنت، ماهواره و شبکه‌های اجتماعی	مشارکت سیاسی نسبتاً عقلایی در انتخابات ریاست‌جمهوری	زیست مدرن/ بازار (فصلی)، صنعت (راکد)، خدمات دولتی (ناکارآمد) و بخش خصوصی (نافرجام)

از نظر صورت‌بندی، هرچند شکاف سنت و مدرنیته تا قبل از سقوط خوانین به دلیل ساختار کاملاً عشیره‌ای مُنفعل بود، امروزه به دلیل دگردیسی نسبی در ارزش‌ها و تحت‌تأثیر برخی شناسه‌های مدرنیته، فعال شده است. این شکاف به صورت تصادفی و درنتیجه تحولات مدرن (نوسازی عمرانی/کالبدی، اجتماعی و اقتصادی) ایجاد شده است، اما تجمیع عوامل عینی (رقابت‌های ملموس افراد با یکدیگر در سبک زندگی) و ذهنی (نگرش و جهان‌بینی متفاوت افراد به پدیده‌های اجتماعی و سیاسی) ماهیت ساختاری به آن بخشیده‌اند. سرانجام، شکاف سنت و مدرنیته به صورت متراکم بر دو شکاف اصلی (جغرافیایی و طایفه‌ای) بار می‌شود و سطح تعارضات و مناقشات میان افراد را در ممسنی افزایش می‌دهد.

۵. ۲. ٤. شکاف جنسیتی

شکاف جنسیتی[1] که برآمده از ساختار طایفه‌ای ممسنی است، به نظرگاه‌های متفاوت ساکنان درباره جنس مرد و زن منجر شده است؛ یعنی فرصت‌های اجتماعی و سیاسی آن‌ها با یکدیگر متفاوت است و مردان از مجال بیشتری برخوردارند. این تبعیض جنسیتی که دالِ بر اجتماع پدرسالار و مردسالار ممسنی است، طی سالیان اخیر تاحدودی متعادل شده است. درمجموع پنج شاخص اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، بهداشت و سیاست در تحلیل شکاف جنسیتی در شهرستان ممسنی راهگشا است. از نظر اقتصادی نیروی کار زنان مدنظر ساکنان ممسنی قرار گرفته است و آن‌ها در مشاغل دولتی و خصوصی حضور دارند. در زمینه جمعیت شاغل شهرستان ممسنی، آمار نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۰، ۲۷۲۱۳ نفر شاغل بودند که از این تعداد ۳۹۲۵ نفر زن و ۲۳۲۷۸ نفر مرد بودند. نرخ بیکاری ٢٤,٤ درصد بوده که ٢٦ درصد از آنِ زنان و ۲۲,۲ درصد به مردان متعلق بوده است. نرخ مشارکت اقتصادی ٢٦,١ درصد بوده که ۱۲,۱ درصد مربوط به زنان و ٦١ درصد به مردان متعلق بوده است (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۲، ص. ٦٦)؛ بر این بنیاد، زنان تاحدودی توانسته‌اند در عرصه اقتصادی شهرستان نقش‌آفرینی کنند، ولی هنوز اندیشه خانه‌داری زنان و رسیدگی به فرزندان مانعی در برابر حصول آنان به مشاغل بیشتر است (جدول ۸).

1. Sexual Cleavage

جدول ۸. شاخص‌های شکاف جنسی (مؤلفه اقتصادی)

مأخذ: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۲، ص. ٦٦

جنس/شاخص	تعداد شاغل	نرخ بیکاری	نرخ مشارکت اقتصادی
مرد	۲۳۲۷۸	۲۲/۲	٦۱
زن	۳۹۲۵	۲٦	۱۲/۱

در عرصه اجتماعی، زنان در دریافت مدارکی نظیر گواهینامه رانندگی و عضویت در برخی گروه‌های حفاظت از محیط‌زیست شهرستان حضور فعالی دارند. همچنین نوع پوشش و رفت‌وآمد زنان در بازار ممسنی حکایتگر آزادی اجتماعی نسبی آنان است؛ با وجود این، نگرش پدرسالاری به دیدگاه تحقیرآمیز درباره زن منجر شده است. با توجه به اینکه زن نمی‌تواند به‌عنوان پشتوانه استمرار نسل خانواده پدر محسوب شود، به دنیا آوردن اولین فرزند پسر (کُرزا کنون) توسط زوج‌های جوان همواره موردتحسین موی‌سپیدان است؛ این در حالی است که فرزند دختر چندان مورد لطف و ستایش اطرافیان قرار نمی‌گیرد. از نظر آموزشی، در سال ۱۳۸۵، نرخ بی‌سوادی ۱۹/۲ درصد بود. در این راستا، نرخ بی‌سوادی به تفکیک جنسیتی برای مردان و زنان شهرستان به‌ترتیب ۱٤/۳ و ۲٤/۱ درصد بود (معاونت برنامه‌ریزی استان فارس، ۱۳۹۳، ص. ۳). در سال‌های اخیر بر تعداد زنان باسواد افزده شده است. در ساختار آموزش عالی ممسنی، مردان بیش از زنان فعالیت دارند، اما استفاده از اساتید زن در دانشگاه‌های شهرستان و رقابت زنان در کنکور (به‌ویژه رشته تجربی) تبیینگر رغبت آن‌ها به منظور بهره‌مندی از شأن و پرستیژ اجتماعی و کاهش شکاف است (جدول ۹).

جدول ۹. ساختار آموزش عالی شهرستان ممسنی در سال تحصیلی ۸۹ـ۱۳۸۸

مأخذ: معاونت برنامه‌ریزی استان فارس، ۱۳۹۳، ص. ۲۵

نام دانشگاه (مرکز آموزش عالی)	وضعیت حقوقی	تعداد	تعداد دانشجویان			تعداد آموزشگران (کادر آموزشی)		
			جمع	مرد	زن	جمع	مرد	زن
دانشگاه علوم پزشکی (ممسنی)	دولتی	۱	۱۰۳	٧٦	۲٧	–	–	–
آموزشکده فنی پسران (ممسنی)	دولتی	۱	٤٧۸	٤٧۸	۰	٤۲	٤۲	۰

نام دانشگاه (مرکز آموزش عالی)	وضعیت حقوقی	تعداد	تعداد دانشجویان			تعداد آموزشگران (کادر آموزشی)		
			جمع	مرد	زن	جمع	مرد	زن
دانشگاه پیام نور (نورآباد)	دولتی	۱	۳۲۸۴	۱۱۵۲	۲۱۳۲	۸۱	۷۰	۱۱
دانشگاه ازاد اسلامی(نورآباد)	خصوصی	۱	۱۹۰۳	۱۱۵۷	۷۴۶	۱۸۳	۱۵۸	۲۵
جمع	٤		۵۷۶۸	۲۸۶۳	۲۹۰۵	۳۰۶	۲۷۰	۳۶
سهم خصوصی (درصد)	۲۵		۳۳	٤۰/ ٤	۲۵/ ۶	۵۹/ ۸	۵۸/ ۵	۶۹/ ٤

از نظر بهداشت، امکانات لازم در اختیار زنان قرار گرفته است و آن‌ها توانسته‌اند طی سالیان اخیر از نظر وضعیت ظاهری و قوای فیزیکی وضعیت مطلوبی پیدا کنند. درواقع فاصله گرفتن زنان از مشاغل سخت و طاقت‌فرسا نظیر کشاورزی، دامداری، پخت نان محلی و... زمینهٔ رعایت بهداشت شده است؛ بنابراین در این شاخص، شکاف چشمگیری میان مرد و زن وجود ندارد (جدول ۱۰).

جدول ۱۰. تعداد مراکز بهداشتی و درمانی شهرستان ممسنی

مأخذ: معاونت برنامه‌ریزی استان فارس، ۱۳۹۳، ص. ۷۶

نوع / سال	شهرستان			استان		
	شهری	روستایی	جمع	شهری	روستایی	جمع
۱۳۸٤	۳	۲۱	۲٤	–	–	–
۱۳۸۸	۲	۱٤	۱۶	۱۲۱	۱۶۰	۲۸۱
تعداد جمعیت به ازای هریک مرکز بهداشتی درمانی در سال ۱۳۸۸ *(نفر)			۷۲۷٤	۱۸۰۵۰	۱۰٤۰۶	۱۶۱۱۵

سرانجام، از نظر سیاسی زنان همانند مردان حضور فعالی در نبرد انتخابات ممسنی دارند، اما زیرِ سیطره مردان قرار دارند و ناگزیر از انتخابی مشابه پدر یا همسر خود هستند. افزون بر این، زنان تا پایان دور یازدهم به‌عنوان نامزد در حوزه انتخابیه ممسنی حضور نداشته‌اند، ولی در پنجمین دوره شورای اسلامی شهر و روستای شهرستان برای نخستین بار فرصت نامزدی آنان فراهم شد. از نظر صورت‌بندی، شکاف جنسیتی در شهرستان ممسنی فعال است؛ به‌طوری‌که به‌رغم آزادی نسبی زنان در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی، همچنان نگرش

پدرسالاری و مردسالاری به‌عنوان سدی سترگ در برابر ترقی آنان محسوب می‌شود. همچنین این شکاف که از نظر ذهنی زمینه تفکیک مرد و زن شده است، از نوع ساختاری است؛ زیرا دائم در بستر اجتماع ممسنی وجود داشته و در گذر زمان نهادینه شده است. درمجموع، شکاف جنسیتی به‌مثابه شکافی متراکم است که بر شکاف‌های اصلی (جغرافیایی و طایفه‌ای) بار می‌شود.

۵. ۲. ۵. شکاف نسلی

شکاف نسلی[۱] را می‌توان در سبک زندگی و نوع انطباق فرهنگی نسل جدید و قدیم ممسنی مشاهده کرد. سبک زندگی انسان جدید ممسنی در حال تغییر است؛ به‌نحوی‌که نسل جوان تغییراتی را در زمینه پوشش، خوراک، آراستگی ظاهری و گذران اوقات فراغت خود اعمال کرده‌اند.؛ یعنی به‌رغم وجود ارزش‌های سنتی در میان مردم، نسل جدید به مقاومت و ایستادگی در مقابل برخی آداب و رسوم‌ها می‌پردازند. از سوی دیگر، تعارض دیدگاه نسل جدید و قدیم ممسنی به نبود انطباق فرهنگی در سه شاخص «دانشی»، «گرایشی» و «رفتاری» تبدیل شده است. از نظر دانشی می‌توان به اطلاعات علمی متفاوت این دو نسل اشاره کرد. از نظر گرایشی می‌توان از تفاوت در اعتقادات افراد یا سلیقه‌های دو نسل سخن به میان آورد. درنهایت، از نظر رفتاری می‌توان به تفاوت در آداب و معاشرت نسل قدیم و جدید ممسنی اشاره کرد (جدول ۱۱).

جدول ۱۱. شاخص‌های شکاف نسلی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

نسل/شاخص	دانشی	گرایشی	رفتاری
قدیم	اطلاعات علمی و تحصیلات اندک	گرایش طایفه‌ای و مذهبی	رعایت شئونات، سلسله‌مراتب اجتماعی و لهجه لُری در محاوره‌های روزمره
جدید	اطلاعات علمی زیاد و تحصیلات تکمیلی	گرایش مدرن و روشنفکرانه	بی‌توجهی به شئونات اجتماعی و تمایل به زبان فارسی

1. Generation Cleavage

از نظر صورت‌بندی، شکاف نسلی در شهرستان ممسنی در دهه اخیر بسیار فعال شده است. این شکاف، بیشتر تصادفی است؛ زیرا در عصر قدیم یکپارچگی فرهنگی میان نسل‌ها حاکم بود، ولی در وضعیت کنونی به دلیل رسوخ عناصر مدرن به ممسنی، این شکاف ایجاد شده است. شکاف نسلی که از نظر ذهنی تأثیرات درخورتوجهی بر رفتار اجتماعی افراد داشته، روی دو شکاف اصلی (جغرافیایی و طایفه‌ای) بار و معضلات اجتماعی ممسنی را دوچندان کرده است.

۵. ۲. ٦. شکاف بین گروه‌های ذی‌نفوذ و نیروهای اجتماعی

گروه‌های ذی‌نفوذ و نیروهای اجتماعی[1] تحرکات زیادی در تحولات اجتماعی و سیاسی ممسنی دارند. این گروه‌ها نه‌تنها با یکدیگر تضاد ارزشی و منفعتی دارند، بلکه درون خود نیز دچار انشقاق و شکاف هستند. به‌طورکلی، «شأن و منزلت اجتماعی» را می‌توان زیربنای تحرکات نیروهای اجتماعی و «هویت و منافع» را نیروی مُحرکه کنشگری گروه‌های ذی‌نفوذ دانست (جدول ۱۲).

جدول ۱۲. شاخص‌های شکاف گروه‌های ذی‌نفوذ و نیروهای اجتماعی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ١٤٠٢

گروه‌ها و نیروها	گروه‌های ذی‌نفوذ	نیروهای اجتماعی
مبنای کنشگری	هویت و منافع	شأن و منزلت اجتماعی

از نظر تعارضات درونی هریک از گروه‌های ذی‌نفوذ نیز مبانی رفتاری متفاوتی دارند؛ یعنی موی‌سپیدان و بزرگان[2] را می‌توان برحسب «انسان اجتماعی»، متنفذین محلی[3] را براساس «انسان اقتصادی» و گروه‌های خویشاوندی[4] را بر بنیاد «انسان هویتی» تعریف کرد. درواقع، گروه نخست به دنبال کنشگری در اجتماع و تأثیرگذاری بر دیگران به‌منظور پیروی از دستوراتشان هستند؛ این در حالی است که گروه دوم صرفاً منافع کوتاه‌مدت خود و دوستان را

1. Influenced Groups and Social Forces
2. Elders
3. Local influences
4. Kinship Groups

پی‌جویی می‌کنند. سرانجام، گروه سوم حفظ ارزش‌ها و هنجارهای عشیره‌ای را مدنظر قرار می‌دهند. از نظر قدرت نقش‌آفرینی معمولاً گروه‌های ذی‌نفوذ در رأس قرار دارند؛ چراکه همواره به دنبال رای‌زنی با اصحاب قدرت و توده مردم هستند. اصحاب قدرت نیز به دنبال استفاده ابزاری از این گروه‌ها برای جذب آراء در انتخابات یا پیشبرد سایر اهداف سیاسی خود هستند. از سوی دیگر، در برخی مواقع سرپیچی از فرامین بزرگان صورت می‌گیرد یا ممکن است افراد از گروه‌های خویشاوندی تبعیت نکنند.

در میان نیروهای اجتماعی می‌توان از سه شاخص «نگرش اجتماعی»، «پایگاه اجتماعی» و «میزان سرمایه اقتصادی» سخن به میان آورد. بر بنیاد نگرش اجتماعی، معمولاً نیروهای اجتماعی (بازاریان، کشاورزان، فرهنگیان و غیره) خود را در چارچوب اجتماع (کل‌گرایی) تعریف می‌کنند؛ یعنی گروه خود را از دیگران متمایز می‌کنند. هریک از نیروهای اجتماعی در تحولات سیاسی نظیر انتخابات مجلس در چارچوب تیره و طایفه خود با یکدیگر متحد می‌شوند، ولی در مناسبات اجتماعی و اقتصادی صرفاً منافع مربوط به گروه خود را پی‌جویی می‌کنند.

از سوی دیگر، پایگاه اجتماعی به معنای منزلت و پرستیژ اجتماعی، شخصیتی، شغلی و از این دست است که به تفاوت بنیادین میان نیروهای اجتماعی در شهرستان ممسنی منجر شده است. در این زمینه می‌توان به منزلت فرهنگیان در مقایسه با سایر نیروهای اجتماعی اشاره کرد. نقش‌آفرینی فرهنگیان در مسائل اجتماعی (جشن ازدواج، مراسم عزاداری، و غیره) و سیاسی (انتخابات) در مقایسه با گروه‌هایی نظیر زنان، مذهبیون و روشنفکران بیشتر است (میرزایی‌تبار و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۳۳۰). از نظر سرمایه اقتصادی، معمولاً پزشکان، بازاریان و کشاورزان (عمده‌مالک و زمین‌داران بزرگ) در صدر قرار دارند؛ به‌طوری‌که ثروت و دارایی این نیروها در تکریم و پاسداشت آن‌ها نقش بسزایی ایفا می‌کند.

از نظر صورت‌بندی، این شکاف به دلیل تعارض و تضاد بنیادین گروه‌ها با یکدیگر فعال است. همچنین از نوع تصادفی است؛ زیرا پس از سقوط خوانین در نتیجه اصلاحات ارضی(۱۳٤۱ه.ش) و ایجاد خلأ قدرت در ممسنی، گروه‌های ذی‌نفوذ و نیروهای اجتماعی توانستند حضور پُررنگ‌تری در جامعه پیدا کنند. باید اذعان داشت که این شکاف بیشتر به

صورت ذهنی در انگاره‌های افراد و گروه‌ها نهادینه شده است؛ به‌نحوی‌که با ذکر نام یک گروه ذی‌نفوذ یا نیروی اجتماعی، ذهنیت افراد از قبل درخصوص آن‌ها شکل گرفته است. روی‌هم‌رفته، این شکاف بر دو شکاف اصلی (جغرافیایی و طایفه‌ای) بار می‌شود و آن‌ها را متراکم می‌کند.

۵. ۲. ۷. شکاف قومی

ساختار جغرافیای سیاسی ممسنی را سه قوم لُر، ترک و عرب تشکیل داده است. هرچند در مسائل اجتماعی و سیاسی تعارض و تنش میان این سازه‌های فضایی/قومی در جریان نیست، نوع نگاه و نگرش آن‌ها به یکدیگر متفاوت است. اساساً قوم لُر (ایلِ ممسنی) به دلیل پیشینه تاریخی، قلمرو جغرافیایی زیرِ نفوذ، جمعیت و قدرت بیشتر در مقایسه با اقوام ترک و عرب، خود را در موضع ژئوپلیتیکی بالادستی می‌پندارد؛ ازاین‌رو مناسبات و روابط اجتماعی آن‌ها با این اقوام یا تعاملات اندک اجتماعی‌شان با یکدیگر تأییدگر این مدعا است. در عرصه سیاست، قوم لر پیوسته به دنبال همراه‌کردن اقوام عرب و ترک با خود است و معمولاً به بسیج سیاسی آن‌ها موفق می‌شود (جدول ۱۳).

جدول ۱۳. شاخص‌های شکاف قومی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱٤۰۲

قومیت / عرصه	لُر	ترک	عرب
فرهنگی و اجتماعی	تعاملی (فرادست)	تعاملی(فرودست)	تعاملی (فرودست)
اقتصادی	کشاورزی و دامداری	دامداری	کشاورزی
سیاسی	مسلط و بسیج‌گر	تابع و بسیج‌شونده	تابع و بسیج‌شونده

از نظر صورت‌بندی اجتماعی، شکاف قومی[1] در شهرستان ممسنی نسبتاً منفعل است؛ زیرا در وضعیت کنونی تعارض چندانی میان آن‌ها مشهود نیست. این شکاف که به دلیل استقرار تدریجی اقوام عرب و ترک در قلمرو ایل ممسنی ساختاری است، جنبه ذهنی و ارزشی دارد که به‌صورت متراکم بر دو شکاف اصلی بار شده است.

1. Ethnic Cleavage

۵. ۲. ۸. شکاف اقتصادی

درباره شکاف اقتصادی[1] در شهرستان ممسنی می‌توان به شکاف طبقه پایین (فقیر) و بالا (غنی) اشاره کرد. اقتصاد شهرستان ممسنی پیوسته بر پایه کشاورزی، دامداری و بازار متکی است، ولی مشکلات محیط‌زیست نظیر کم‌آبی و خشکسالی، کشاورزی و دامداری شهرستان را با چالش مواجه کرده که پیامد آن کاهش شدید درآمد کشاورزان و دامداران بوده است. از سوی دیگر، به دلیل افزایش قیمت کالاها، بازار با رکود مواجه شده و از میزان درآمد بازاریان کاسته شده است. سرانجام، شهرستان ممسنی از صنعت و کارخانجات فعالی برخوردار نیست و در بخش خدمات و مشاغل دولتی نیز با ضعف مواجه است؛ چراکه به‌رغم وجود قشر تحصیل‌کرده و کارآفرین، موج بیکاری مانع از ورود آن‌ها به مشاغل مختلف می‌شود؛ ازاین‌رو جوانان شهرستان بیش از آنکه تولیدکننده باشند، به مصرف‌کننده تبدیل شده‌اند. قوی‌ترین برآیند این وضعیت، تضعیف طبقه متوسط و به‌تبع آنف افزایش شکاف فقیر و غنی است.

شکاف اقتصادی دیگر میان زمین‌داران است؛ یعنی عمده مالکان از اراضی کشاورزی و مسکونی بیشتری برخوردارند و نیروی کار و ابزار تولید را در اختیار دارند؛ بنابراین عمده مالکان ضمن افزایش توان اقتصادی خود از منزلت اجتماعی در میان ساکنان ممسنی نیز برخوردارند؛ این درحالی است که خرده‌مالکان اراضی محدودی در اختیار دارند که یا کیفیت مناسب ندارند یا میزان سرمایه‌شان برای کسب سود، اندک است. در چنین وضعیتی، دگردیسی در ارزش‌ها در حال شکل‌گیری است؛ یعنی شاخص‌هایی نظیر تحصیلات، پرستیژ و شخصیت اجتماعی در شهرستان ممسنی در حال رنگ باختن است و انسانِ اجتماعی در مقایسه با انسانِ اقتصادی توان نقش‌آفرینی کمتری دارد. سرانجام، باید اشاره کرد که شکاف اقتصادی دو بخش بازار و خدمات را نیز شامل می‌شود؛ یعنی بازاریان سنتی دیدگاه مذهبی به فروش کالاها دارند و محاسبه سود و زیان را به ماوراءلطبیعه و آخرت نسبت می‌دهند؛ این در حالی است که بازاریان مدرن به دنبال سود کلان و اجناس شیک‌تری هستند. درباره بخش خدمات می‌توان به شکاف میان دو بخش دولتی و خصوصی اشاره کرد؛ در حالی که بخش دولتی ممسنی (ادارات

1. Economic Cleavage

دولتی و رسمی) از پرستیژ و امنیت شغلی برخوردار است و بخش خصوصی امنیت چندانی ندارد (جدول ١٤).

جدول ١٤. شاخص‌های شکاف اقتصادی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ١٤٠٢

نوع	طبقاتی	زمین‌داری	بازار	خدمات
وضعیت	بالا و پایین	عمده‌مالکی و خرده‌مالکی	سنتی و مدرن	دولتی و خصوصی
شاخص	میزان سرمایه، ملک و دارایی	اراضی کشاورزی و مسکونی	موقعیت جغرافیایی، نوع اجناس، دیدگاه سنتی و مدرن، ابزار جذب مشتری	پرستیژ و امنیت شغلی

درمجموع، از نظر صورت‌بندی اجتماعی، شکاف طبقاتی/اقتصادی در شهرستان ممسنی فعال است. این شکاف به‌صورت عینی و متراکم بر شکاف‌های اصلی بار می‌شود. همچنین به دلیل تضاد طبقاتی و اقتصادی (خوانین و رعیت) در بستر تاریخ ممسنی، این شکاف را می‌توان ساختاری پنداشت (جدول ١٥).

جدول ١٥. صورت‌بندی شکاف‌های اجتماعی در شهرستان ممسنی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ١٤٠٢

گونه شکاف	فعال/منفعل	ساختاری/تصادفی	عینی/ذهنی/ساختاری	متقاطع/متراکم
شکاف طایفه‌ای	فعال	ساختاری	ذهنی	متراکم
شکاف جغرافیایی	فعال	ساختاری	عینی	متراکم
شکاف سنت و مدرنیته	فعال	تصادفی	ساختاری	متراکم
شکاف جنسیتی	فعال	ساختاری	ذهنی	متراکم
شکاف نسلی	فعال	تصادفی	ذهنی	متراکم
شکاف بین ذی نفوذها و نیروهای اجتماعی	فعال	تصادفی	ذهنی	متراکم
شکاف قومی	نسبتاً منفعل	ساختاری	ذهنی	متراکم
شکاف اقتصادی/طبقاتی	فعال	ساختاری	عینی	متراکم

۵. ۳. پیامدهای شکاف اجتماعی

شکاف‌های اجتماعی در شهرستان ممسنی، پیامدهایی را در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ژئوپلیتیک به همراه داشته است که در جدول ۱۶ مشاهده می‌شود.

جدول ۱۶. پیامدهای شکاف‌های اجتماعی در عرصه‌های مختلف شهرستان ممسنی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

ابعاد/عرصه	تشریح پیامد
فرهنگی	تعارض فرهنگی و هویتی، بازساخت ارزش‌های سنتی و عشیره‌ای، مناقشه و منازعه میان طوایف، رویارویی نسل قدیم و جدید
اجتماعی	تضعیف مناسبات اجتماعی، تمایل به برتری خود بر دیگری، ضعف یکپارچکی و انسجام اجتماعی، سوءظن اقوام و طوایف به یکدیگر و نابهنجاری در رفتارها، جایگزینی منزلت اقتصادی به‌جای شأن اجتماعی
اقتصادی	توزیع ناعادلانه قدرت و ثروت در فضاها و مکان‌های جغرافیایی، توسعه نامتوازن و بی‌عدالتی فضایی، منفعت‌طلبی متنفذین محلی، افزایش هزینه روزانه نسل جوان به دلیل تغییر در سبک زندگی (مُدگرایی و آراستگی ظاهری)، دستمزد کم زنان در مقایسه با مردان در مشاغل خصوصی، افزایش فاصله فقیر و غنی و روی آوردن اقشار پایین جامعه به مشاغل کاذب
سیاسی	رقابت ناسالم و غیرمدنی طوایف با یکدیگر در انتخابات، افزایش کشمکش و خشونت طایفه‌ای، حمایت سیاسی اصحاب قدرت از قلمرو جغرافیایی طایفه خود، ضعف دسترسی زنان به عالی‌ترین سطوح اجرایی شهرستان، ضعف به‌کارگماشتن ساکنان وابسته به دیگر طوایف در مناصب کلیدی شهرستان و نقش‌آفرینی گروه‌های ذی‌نفوذ به جای احزاب
ژئوپلیتیک	دو عرصه داخلی و خارجی: در عرصه داخلی، عوامل جغرافیایی (نظیر قلمروها) و سیاسی (بازیگران سیاسی) تأثیرگذار بر شکل‌دهی به مناسبات قدرت، تعارض میان اشخاص، گروه‌ها و سازه‌های فضایی/طایفه‌ای و غیره و به‌تبع آن افزایش تعارضات قلمرویی و تنش اجتماعی و سیاسی؛ از نظر خارجی، برچسب منفی و امنیتی جغرافیای سیاسی ممسنی و خط قرمز نامیدن حوزه انتخابیه، سوءظن و بینش منفی کارگزاران و مقامات اجرایی در سطح استانی و کشوری به شهرستان ممسنی (تصویرسازی ژئوپلیتیکی نامطلوب از شهرستان)، کاهش وزن ژئوپلیتیک شهرستان در مقایسه با سایر شهرستان‌ها

۵. ٤. آسیب‌شناسی شکاف اجتماعی

در شکل‌گیری و ساخت شکاف‌های اجتماعی در شهرستان ممسنی، عوامل گوناگونی دخیل‌اند. درباره شکاف طایفه‌ای می‌توان به عوامل تاریخی، جغرافیایی، فرهنگ سیاسی، بازیگران اجتماعی و کنش اجتماعی–سیاسی طوایف اشاره کرد؛ بر این بنیاد، تاریخ ایل ممسنی مملو از روحیات عشیره‌ای و سلحشوری است؛ به‌گونه‌ای‌که جنگ‌ها و تنش‌های مستمر میان طوایف در جریان بوده است. اضافه بر این، انسانِ ممسنی مُدام درپی اثبات برتری خود بر دیگران بوده است؛ به همین دلیل با دشمن پنداشتن دیگران از آن‌ها فاصله گرفته است. این جهان‌بینی، درز (شکاف) میان طوایف را تشدید کرد و در شرایط کنونی احساسات نوستالژیک (خاطره‌انگیز) به ارزش‌های سنتی را برانگیخته است. درباره عامل جغرافیا می‌توان به تعلق و عرق مکانی زیاد ساکنان در قبال زادگاه و زیستگاه جغرافیایی اشاره کرد. درواقع، آن‌ها از هر وسیله‌ای برای پاسبانی از مرزهای جغرافیایی زیستگاه خود استفاده می‌کنند. این رویکرد در انتخابات مجلس شورای اسلامی نمود خاصی دارد؛ به‌طوری‌که ساکنان هر طایفه مانع از ورود رأی‌دهندگان وابسته به سایر طوایف به شعبه اخذ رأی مستقر در زیستگاه خود می‌شوند و به چشم «میهمانان ناخوانده» به آن‌ها می‌نگرند. افزون بر این، فرهنگ سیاسی ممسنی مبتنی بر ارزش‌های ایلی/عشیره‌ای است و رفتار و کُنش افراد بر بنیاد عقاید و انگاره‌های سنتی صورت می‌گیرد و آن‌ها الزامات و هنجارهای مربوط به زندگی طایفه‌ای را مدنظر قرار می‌دهند. از سوی دیگر می‌توان به بازیگران سیاسی نظیر اصحاب قدرت یا گروه‌های ذی‌نفوذ اشاره کرد که بر تنش و تضاد میان طوایف می‌افزایند و شکاف را تشدید می‌کنند. سرانجام می‌توان به کنشگری طوایف اشاره کرد که در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی خود را به‌عنوان کل واحد و منسجم در مقابل دیگران تعریف می‌کنند و نه‌تنها به دنبال رقابت هستند، بلکه عقب راندن یکدیگر در تمامی عرصه‌ها را نیز مدنظر قرار می‌دهند.

درباره شکاف جغرافیایی می‌توان به توزیع نامتوازن و ناعادلانه ثروت در اقصا نقاط جغرافیایی ممسنی اشاره کرد. درواقع، بینش طایفه‌ای نمایندگان به ضعف درک فضاهای جغرافیایی منجر می‌شود؛ به‌طوری‌که برخی مناطق و محله‌ها به‌ویژه در سطح شهر از وضعیت

مطلوب‌تری در مقایسه با روستاها برخوردارنـد؛ بـا وجـود ایـن، در سـطح شـهر نیـز تفـاوت چشمگیری بین برخی محله‌ها وجود دارد که برخاسته از تکثر فرهنگی یـا ضـعف تخصـیص امکانات لازم است.

از سوی دیگر، شکاف جنسیتی در بینش انسانِ ممسنی درباره جنس زن و مرد ریشـه دارد. این بینش خود متأثر از ساختار عشیره‌ای ممسنی است؛ یعنی روحیه پدرسالاری و مردسـالاری همواره جنس مرد را برتر پنداشته و زن را به حاشیه رانده اسـت. درخصـوص شـکاف نسـلی می‌توان به عواملی نظیر دیدگاه متفاوت نسل جدید، سهولت دسترسی به وسایل ارتباط‌جمعی، تبدیل خانواده‌های گسترده به هسته‌ای، تجربه حوادث تاریخی متفاوت و افزایش سـن ازدواج اشاره کرد؛ بر این پایه، نسل جدید ممسنی تمام‌سطوح به ارزش‌های سنتی پایبند و مقید نیست و سبک زندگی مدرن را بر کثیری از سنت‌ها تـرجیح مـی‌دهـد. همچنـین تجربـه نسـل‌هـا در ممسنی متفاوت است. نسل قدیم به‌طور مداوم با خوانین و کدخدایان در تعامـل بودنـد، ولـی نسل جدید چنین فضایی را تجربه نکرده‌اند. سرانجام، افزایش سن ازدواج به افـزایش فاصـله سنی میان والدین و فرزندان منجر شده است؛ ازاین‌رو والدین قـادر بـه درک رفتـار اجتمـاعی فرزندان و برآورده‌کردن خواسته‌ها و انتظارات یکدیگر نیستند. درباره شکاف میان گـروه‌هـای ذی‌نفوذ و نیروهای اجتماعی می‌توان به ارزش‌ها و اهداف متفاوت آنان اشاره کـرد کـه زمینـه پایگاه اجتماعی متفاوتشان شده است. از سوی دیگر، شکاف قومی منبعث از قلمرو جغرافیایی متفاوت هریک از اقوام و موضع بالا به پایین آن‌ها درباره یکـدیگر و تعامـل اجتمـاعی انـدک است. درنهایت، شکاف اقتصادی/طبقاتی در عواملی نظیر تضعیف طبقـه متوسـط، کشـاورزی سنتی/معیشتی، رکود صنعت و اشتغال نداشتن نخبگان در مشاغل دولتـی و خصوصـی ریشـه دارد. افزون بر این، دگردیسـی در ارزش‌هـا (جـایگزینی ثـروت بـا شـأن اجتمـاعی)، تکـریم اشخاص ثروتمند و تحقیر اجتماعی فقرا بر تشدید شکاف اقتصادی مؤثرند.

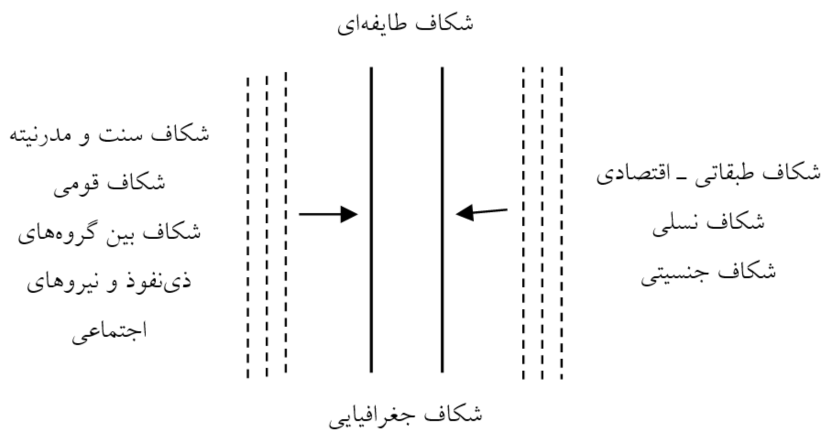
٦. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بررسی‌های علمی نشان می‌دهد که شکاف اجتماعی در فضای جغرافیـایی ممسـنی متنـوع است. در این چارچوب، شـکاف‌هـای طایفـه‌ای و جغرافیـایی را مـی‌تـوان زیربنـایی‌تـرین و

نیرومندترین شکاف‌های موجود در شهرستان ممسنی به شمار آورد که همواره بر تحولات اجتماعی و سیاسی تأثیر می‌گذارند؛ با وجود این، سایر شکاف‌های اجتماعی به‌صورت موازی در کنار این دو شکاف وجود دارند و آن‌ها را متراکم می‌کنند. در این چارچوب می‌توان به شکاف‌های جنسیتی و طبقاتی اشاره کرد که به‌صورت ساختاری و پایدار در بستر اجتماع ممسنی وجود داشته‌اند و در طول زمان استمرار یافته‌اند؛ این در حالی است که شکاف‌های نسلی، سنت و مدرنیته، گروه‌های ذی‌نفوذ و نیروهای اجتماعی در نتیجهٔ تحول یا اتفاق ویژه به‌صورت تصادفی خلق شده‌اند. از طرفی یافته‌ها نشان می‌دهد که شکاف طایفه‌ای بر جزئی‌ترین مسائل زندگی زناشویی تا رسمی‌ترین حوزه‌ها نظیر نهادها و ادارات ممسنی اثرگذار است. در این راستا، دو شاخص منزلت اجتماعی و روحیه سلحشوری در تشدید شکاف طایفه‌ای تأثیرگذار بوده‌اند. از سوی دیگر، شکاف جغرافیایی در بخش‌هایی نظیر شمال و جنوب شهر، مناطق شهری و روستایی، مناطق مرکز–پیرامون پردازش شده است. شکاف میان سنت و مدرنیته نیز مبین این است که با ورود تکنولوژی و فضای مجازی به شهرستان ممسنی و تحولات داخلی نظیر افزایش سطح آگاهی عمومی، مناسبات اجتماعی تحت‌تأثیر قرار گرفته است.

به‌طور کلی پنج شاخص اقتصادی، آموزشی، اجتماعی، بهداشت و سیاست در تحلیل شکاف جنسیتی تجزیه و تحلیل شده‌اند. وضعیت زنان در شاخص‌های آموزشی و بهداشت بهبود یافته است، ولی در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی همچنان شکاف جنسیتی پابرجا است. از سوی دیگر، شکاف نسلی به ضعف انطباق فرهنگی در سه شاخص دانشی، گرایشی و رفتاری در شهرستان ممسنی منجر شده است؛ یعنی سطح اطلاعات علمی، بینش اجتماعی و رفتار نسل قدیم و جدید در عرصه اجتماعی با یکدیگر متفاوت بوده، ولی در سپهر سیاست، کنش آن‌ها بر یکدیگر منطبق است. درباره گروه‌های ذی‌نفوذ و نیروهای اجتماعی یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شأن و منزلت اجتماعی زیربنای تحرکات نیروهای اجتماعی و هویت و منافع موتور محرکه اقدامات گروه‌های ذی‌نفوذ است. شکاف قومی نیز بیانگر این است که در مسائل اجتماعی و سیاسی تعارض و تنش میان قومیت‌های ممسنی در جریان نیست، اما نوع نگاه و نگرش آن‌ها به یکدیگر متفاوت است. سرانجام،

یافته‌های تحقیق بازگوکننده این است که شکاف اقتصادی میان طبقات بالا و پایین، عمده-مالکی و خرده‌مالکی، بخش‌های بازار (سنتی و مدرن) و خدمات (دولتی و خصوصی) در جریان است. برآیند مطالعات صورت‌گرفته نشان داد که شکاف‌های جنسیتی، نسلی، قومی، طبقاتی، سنت و مدرنیته، گروه‌های ذی‌نفوذ و نیروهای اجتماعی بر دو شکاف اصلی (طایفه‌ای و جغرافیای) بار شده‌اند و جامعه دوشکافی متراکم را در شهرستان ممسنی ایجاد کرده‌اند؛ ازاین‌رو عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شهرستان ممسنی از آن متأثر شده-اند (شکل ۳).



شکل ۳. مدل مفهومی جامعه دوشکافی متراکم در شهرستان ممسنی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ١٤٠٢

با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای برای کاهش شکاف‌های اجتماعی در شهرستان ممسنی عبارت‌اند از:

۱. کاهش شکاف جغرافیایی و طایفه‌ای از رهگذر مشارکت فزاینده و همگانی ساکنان طوایف در فرایند مدیریت امور سیاسی- اداری شهرستان؛

۲. توزیع فضایی عادلانه ثروت در اقصا نقاط شهرستان ممسنی برای توسعه متوازن و کاهش شکاف جغرافیایی؛

۳. تشکیل رشته‌نشست‌هایی با موضوع توانمندی و کارآفرینی بانوان در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی، آزادی اجتماعی زنان و همچنین انتصاب زنان به سمت‌های اجرایی برای تضعیف شکاف جنسیتی؛

٤. تدارک برنامه‌های آموزشی توسط فرمانداری، فرهنگ ارشاد اسلامی، نشریات و مطبوعات محلی در زمینه آسیب‌های ناشی از شاخص‌های زندگی سنتی و مدرن برای کاهش شکاف سنت-مدرنیته؛

٥. درک خواسته‌ها و انتظارات خانواده‌ها از فرزندان و تحمیل نکردن نگرش خود به آن‌ها، نظارت کنترل‌شده بر رفتار اجتماعی فرزندان و تلاش مسئولان برای کاهش سن ازدواج (با اعطای تسهیلات/وام/کمک‌هزینه مسکن/اشتغال‌زایی و...) برای برطرف‌کردن شکاف نسلی؛

٦. تشکیل سندیکاها، فعالیت اصناف و احزاب به‌منظور نقش‌آفرینی در مسائل سیاسی و جلوگیری نهادهای اجرایی (نظیر فرمانداری) از نقش‌آفرینی بیش از اندازه گروه‌های ذی‌نفوذ در کارزار انتخابات برای به حداقل رساندن شکاف گروه های ذی‌نفوذ و نیروهای اجتماعی؛

۷. افزایش تعاملات اجتماعی، ازدواج‌های فراقومی، به کار گماشتن مدیران منتسب به همه قومیت-ها در نهادهای اداری شهرستان برای مقابله با شکاف قومی؛

۸. مکانیزاسیون کشاورزی، راه‌اندازی صنعت، رونق بازار و جذب نخبگان در بخش خدمات دولتی و خصوصی (احیای طبقه متوسط) برای کاهش شکاف اقتصادی.

کتابنامه

۱. احمدوند، ش. (۱۳۸۹). شکاف‌های اجتماعی و بحران هویت در اسرائیل. *دوفصلنامه پژوهش سیاست*، *۱۲*(۲۸)، ۱–١٦.

۲. احمدی، آر.، و احیایی، پ. (۱۳۹۲). بررسی شکاف نسلی و عوامل مرتبط با آن، مطالعه موردی؛ دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان سراب. *فصلنامه جامعه‌پژوهی فرهنگی*، *٤*(٤)، ۱–۲۷.

۳. آوتویت، و.، و تام، ب. (۱۳۹۱). *فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم* (ح. چاوشیان، مترجم). تهران: نشر نی.

٤. بشیریه، ح. (۱۳۹۱)، جامعه شناسی سیاسی، *نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی*. تهران: نشر نی.

٥. بشیریه، ح.، و قاضیان، ح. (١٣٨٠). بررسی تحلیلی مفهوم شکاف اجتماعی. *پژوهشنامه علوم انسانی*، ٣٠، ٤٠-٧٤.

٦. ترابی، ی.، و مجیدی، ی. (١٣٩٣). مدیریت شکاف‌های قومی در کردستان ج ا ایران. *فصلنامه پزوهش‌های راهبردی سیاست*، ٣(١١)، ٩-٢٩.

٧. حافظ‌نیا، م.، و صادقی، و. (١٤٠٠). تبیین رابطه طایفه‌گرایی و مشارکت سیاسی (نمونه پژوهی: انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی). *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، *١٩* (٢)، ٥١-٩١.

٨. حافظ‌نیا، م.، و قادری‌حاجت، م. (١٣٩٣). بی‌عدالتی فضایی و مخاطرات انسانی، (مطالعه موردی استان سیستان و بلوچستان). *فصلنامه دانش مخاطرات*، *١* (٢)، ١٣١-١٤٨.

٩. خلیلی، ر. (١٣٩٤). تأثیر شکاف‌های اجتماعی بر امنیت ملی؛ در جستجوی چارچوبی تحلیلی. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، *١٨*(٤)، ٨٨-٤٩.

١٠. دهقان، ی.، کتابی، م.، جعفری‌نژاد، م. (١٣٩٥). شکاف‌های اجتماعی و تاثیر آن بر شکل‌گیری و رشد رادیکالیسم در سوریه؛ با تاکید بر شکاف‌های قومی ـ مذهبی. *دوفصلنامه دانش سیاسی*، *١٢*(٢)، ٥٩-٩٠.

١١. رومینا، ا.، و صادقی، و. (١٣٩٤). بررسی تأثیر طایفه‌گرایی بر الگوی رأی‌دهی، مطالعه موردی: شهرستان ممسنی. *فصلنامه ژئوپلیتیک*، *١١* (٣)، ٨٤-١١٦.

١٢. زاهدی، م. (١٣٩٦). *توسعه و نابرابری*. تهران، نشر مازیار.

١٣. سرشماری عمومی نفوس و مسکن. (١٣٩٥). *جدول جمعیت و خانوار به ترتیب استان، شهرستان*. مرکز آمار ایران (درگاه ملی آمار)، بازیابی از آدرس https://www.amar.org.ir

١٤. سند توسعه بلندمدت شهرستان ممسنی، خدمات.، جمعیت. (١٣٩٣). *سازمان فضایی و آینده‌نگری*. شیراز: مهندسین مشاور شرق‌آیند، معاونت برنامه‌ریزی استان فارس.

١٥. شمس‌الدینی، ع.، اطاعت، ج.، و شهریور، هومان. (١٣٩٢). نقش مشارکت سیاسی روستائیان در افزایش خدمات‌رسانی به روستاهای شهرستان ممسنی. *فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ٢ (٣)، ١٠٠-٨٧.

١٦. شمس‌الدینی، ع.، فاضل نیا، غ.، و دهقانی، ک. (١٣٩٥). نقش دهیاری‌ها در کیفیت مکانی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: بخش دشمن‌زیاری شهرستان ممسنی). *فصلنامه جغرافیا*، ٦ (٣)، ٦٣-٧٦.

۱۷. صادقی، و. (۱۳۹۳). *بررسی تاثیر طایفه‌گرایی بر الگوی رأی‌دهی؛ (مطالعه موردی: شهرستان ممسنی)* (پایان‌نامه منتشرنشده کارشناسی ارشد). دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

۱۸. فاضل‌نیا، غ.، شمس الدینی، ع.، و دهقانی، ک. (۱۳۹۲). تحلیلی بر کیفیت مکان در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان ممسنی: مطالعه موردی: بخش دشمن‌زیاری. *فصلنامه کاوش‌های جغرافیایی مناطق بیابانی، ۱* (۲)، ۱۹۵–۲۲۰.

۱۹. قاضیان، ح. (۱۳۸۰). *بررسی جامعه‌شناختی انتخابات در ایران بر حسب شکاف مدرن - سنتی (نمونه انتخابات دوم خرداد ١٣٧٦)* (رساله دکتری منتشر نشده). دانشگاه تربیت مدرس تهران، ایران.

۲۰. معیدفر، س. (۱۳۸۳). شکاف نسلی یا گسست فرهنگی، بررسی شکاف نسلی در ایران. *فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۱*(٢٤)، ٥٥–٨٠.

۲۱. میراحسنی، م. (۱۳۹۲). شاخص‌های رقابت پذیری ایران و برخی کشورهای جهان از منظر گزارش مجمع جهانی اقتصاد (٢٠١٣–٢٠١٤). *مجله اقتصادی، ۱۳* (۹ و ۱۰)، ۱۰۷–۱۲۸.

۲۲. میرزایی‌تبار، م.، صادقی، و.، و حسینی، س. (۱۳۹۷). نقش گروه‌های ذی‌نفوذ و نیروهای اجتماعی در انتخابات مجلس شورای اسلامی: نمونه‌پژوهی: حوزه انتخابیه ممسنی. *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، ١٦*(۲)، ۳۰۱–٣٣٦.

۲۳. نوریس، پ.، و کدی، ن. (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی سیاسی شکاف‌های اجتماعی (بررسی‌های موردی)* (پ. دلیرپور، و ع. سمیعی، مترجمان). تهران: نشر کویر.

٢٤. نیروی انتظامی استان فارس. (۱۳۸۸). *پرونده‌های تشکیل شده توسط نیروی انتظامی شهرستان ممسنی برحسب موضوع و مقایسه با استان ٨٨–١٣٨٤*. شیراز: نیروی انتظامی.

۲۵. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی. (۱۳۹۲). *نامه و پیوست اداری جمعیت و نماگرهای منتخب نیروی انسانی (نرخ بیکاری و مشارکت) استان فارس به تفکیک شهرستان‌ها*. شهرستان ممسنی.

٢٦. همتی، ر.، و مکتوبیان، م. (۱۳۹۲). بررسی وضعیت نابرابری جنسیتی در میان کشورهای منتخب خاورمیانه: با تاکید بر جایگاه ایران. پژوهشنامه زنان، *٤*(۲)، ۱۱۵–١٤٢.

27. Choe, Y. (2002). *Social Clevage and Party Support: A Comparison of Japan, South Korea and The United Kingdom.* Sodertorns Hogskola.

28. Gosselin, T., & Toka, Gabor. (2008). *The Impact of Cleavage on Political Participation and Electoral Volatility*. Paper presented at the Canadian Political scince Association Annaual Confrence, Vancouver, British Colombia.

29. Manza, J., & Brooks, C. (1999). Group Size, Turnout and Political Alignments and Development of U.S Party Coalitions 1960 – 1992. *Europian Sociological Review*, *15*(4), 369- 389.
30. Manza, J., & Brooks, C. (1999). *Social Cleavages and Political Change*. Germany: Oxford University Press.
31. Stoll, H., (2008). social clevages and the nomber of parties. *Comparative Political Studies*, *41*(11) 1439-1465.